



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

# خشونت علیه زنان در افغانستان

(گزارش سال ۲۰۱۴ میلادی)

## فهرست مطالب

مقدمه

خلاصه یافته های گزارش

### بخش اول: مفاهیم و کلیات

۱. مقدمه
۲. روش شناسی
۳. مبانی حقوقی و قانونی حمایت از حقوق زنان و مبارزه با خشونت علیه آنان
  - ا. اسناد بین المللی حقوق بشر
  - ب. قوانین ملی

### بخش دوم: تحلیل داده های خشونت علیه زنان

۱. انواع خشونت علیه زنان
  - ۱.۱- خشونت فیزیکی
    - ۱.۱-۱. قتل و قتل ناموشی
    - ۱.۲- خشونت جنسی
      - ۱.۲-۱. تجاوز جنسی
      - ۱.۳- خشونت زبانی و روانی
      - ۱.۴- خشونت اقتصادی
      - ۱.۵- سایر انواع خشونت
  ۲. عواقب و پیامدهای خشونت علیه زنان

۳. جغرافیای خشونت علیه زنان
۴. محل وقوع خشونت علیه زنان
۵. عوامل خشونت علیه زنان
  - ۵.۱- جنسیت عاملان خشونت علیه زنان
  - ۵.۲- میزان سواد عاملان خشونت علیه زنان
  - ۵.۳- اعتیاد عاملان خشونت علیه زنان
  - ۵.۴- مشکلات روانی عاملان خشونت علیه زنان
۶. عوامل خشونت علیه زنان
۷. پیگیری و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان
  - ۷.۱- وضعیت حقوقی قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان

### بخش سوم: جمع بندی و پیشنهادها

۱. جمع بندی
۲. پیشنهادها

## مقدمه

حقوق زنان همواره یکی از مسایل مهم در مباحث حقوق بشری بوده است. حساسیت مسأله حقوق زنان ناشی از این واقعیت است که در بسیاری جوامع، زنان از عمده ترین گروه های آسیب پذیر اجتماعی اند و حقوق آنان همواره در معرض تهدید قرار داشته است.

یکی از مسایل حادّ حقوق زنان در بسیاری از جوامع، به ویژه در کشورهای جهان سوم، خشونت علیه زنان است. در افغانستان نیز این مسأله از چالش های اساسی بر سر راه حقوق بشر و حقوق زنان به شمار می رود. با آنکه افغانستان در طول بیش از ده سال اخیر، دستاوردهای مهمی در عرصه های مختلف حقوق زنان از قبیل آموزش زنان و دختران، صحت و مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی و مدنی داشته است، ولی معضلات ریشه دار فرهنگی و اجتماعی در برابر حقوق زنان در بسیاری مناطق کشور هنوز فراروی زنان قرار دارد و باعث نقض حقوق و آزادی های آنان می گردد. خشونت علیه زنان یکی از موارد حادّ نقض حقوق زنان می باشد.

در جریان سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۴۸۷۳ مورد خشونت علیه زنان در ضمن مراجعه ۲۰۲۶ شاکی خشونت علیه زنان در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ثبت رسیده است. بنابراین، در سال ۱۳۹۲، حدود ۲۰۲۶ زن حداقل از یکی از گونه های خشونت علیه زنان رنج برده است. اما معمولاً در ضمن قضایای خشونت علیه زنان، چندین نوع خشونت به طور همزمان بر قربانی اعمال می شود. از این رو، آمار موارد خشونت علیه زنان نسبت به تعداد شاکیان چندین برابر می گردد.

آمارها نشان دهنده وضعیت ناگوار خشونت علیه زنان در کشور است. ارقام بالای خشونت علیه زنان ناشی از ضعف حاکمیت قانون و فساد در دستگاه عدلی و قضایی و محدودیت دسترسی زنان به عدالت است. علاوه

براین، ناامنی و معافیت از مجازات و سنت های زن ستیز قبایل افغانستان نیز در وقوع خشون علیه زنان نقش دارند.

گزارش حاضر، تلاش می کند تصویری از گونه های مختلف خشونت علیه زنان در کشور ارائه کند. این گزارش براساس آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در جریان سال ۲۰۱۴ تهیه گردیده است. این گزارش، انواع خشونت علیه زنان را در ذیل پنج عنوان کلی خشونت فیزیکی، خشونت جنسی، خشونت زبانی و روانی، خشونت اقتصادی و سایر انواع خشونت دسته بندی نموده و مورد بحث قرار می دهد. در ذیل هر کدام این عناوین، دسته بندی های جزئی تر خشونت علیه زنان نیز درج گردیده و با ذکر آمارهای دقیق، میزان شیوع هر کدام نشان داده شده است.

این گزارش در هر مبحث، داده های سال تحت پوشش خود را با داده ها و آمارهای سال های قبل مقایسه می کند تا وضعیت خشونت علیه زنان دقیق تر ترسیم گردد. همچنین در متن، نمونه هایی از قضایای خشونت علیه زنان درج گردیده است.

در پایان گزارش پیشنهادات مشخصی نیز به مراجع مسوول ارائه گردیده است. امیدواریم این گزارش بتواند در درک وضعیت خشونت علیه زنان موثر بیافتد و بتواند در طرح اقدامات موثر برای مبارزه با خشونت علیه زنان کمک کند.

## خلاصه یافته های این گزارش

خشونت علیه زنان از جدی ترین معضلات حقوق بشر در افغانستان است. این خشونت ها به اشکال مختلف علیه زنان اعمال می گردد که گاه شکل بسیار خشن و وحشیانه می گیرد. رایج ترین انواع خشونت که در بانک اطلاعات کمیسیون ثبت گردیده است شامل انواع خشونت های جسمی، جنسی، اقتصادی، لفظی و روانی و خشونت هایی که به نحوی از انحا با عرف و عنعنات ناپسند ارتباط دارد، می شود.

در طول سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۲۰۲۶ شاکی خشونت علیه زنان به دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مراجعه کرده و قضایای شان را به ثبت رسانده اند. در سال ۱۳۹۲ تعداد شاکیان خشونت علیه زنان که به دفاتر کمیسیون مراجعه کرده بودند، به ۲۱۵۹ نفر و در سال ۱۳۹۱ به ۱۷۵۰ مورد می رسیدند. بنابراین، تعداد شاکیان خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال خورشیدی ۱۳۹۲ حدود ۶.۳ درصد کاهش و نسبت به سال ۱۳۹۱ حدود ۱۵.۸ درصد افزایش را نشان می دهد.

اما مجموع آمار انواع خشونت علیه زنان، که از قضایای ثبت شده شاکیان خشونت علیه زنان در طول سال ۲۰۱۴ به دست آمده است، به ۴۸۷۳ مورد می رسد. این رقم در سال ۱۳۹۲ بالغ بر ۶۶۱۱ مورد، و در سال ۱۳۹۱ به ۵۷۰۱ مورد بود. کاهش این ارقام در سال تحت پوشش این گزارش، چنانچه در بالا هم ذکر شده است، ناشی از تغییر ساختار فرم ثبت قضایای خشونت علیه زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است.

گسترده ترین و رایج ترین نوع خشونت علیه زنان خشونت فیزیکی و جسمی، به خصوص لت و کوب می باشد. از مجموع آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در جریان سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۱۴۶۸ مورد آن ها را، که مشتمل بر ۳۰.۱ درصد کل موارد ثبت شده خشونت علیه زنان می شود، خشونت های فیزیکی و جسمی تشکیل می دهند. بالغ بر ۴۱۲ مورد دیگر نیز که حدود ۸.۵ درصد کل موارد خشونت علیه زنان در این مدت را تشکیل می دهند، شامل انواع خشونت های جنسی بوده و ۱۴۸۲ مورد دیگر نیز که حدود ۳۰.۴ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می شوند، شامل خشونت های لفظی و روانی می باشند. همچنین ۱۰۲۴ مورد، که

شامل ۲۱ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می شود، خشونت های اقتصادی بوده است. بقیه ۴۸۷ مورد دیگر، که ۱۰ درصد مجموع موارد را تشکیل می دهد، مشتمل بر سایر انواع خشونت علیه زنان می باشد.

خشونت فیزیکی و جسمی به اشکال مختلف صورت می گیرد. قضایای خشونت علیه زنان نشان می دهد که در بسیاری موارد این خشونت ها بسیار شدید و سخت بر زنان اعمال می شود. آمارهای خشونت های جسمی نشان می دهد که از مجموع ۱۴۶۸ مورد خشونت جسمی و فیزیکی، بیشترین موارد آن شامل لت و کوب به اشکال مختلف می باشد که بالغ بر ۱۲۹۰ مورد است. این رقم حدود ۸۸ درصد موارد خشونت های جسمی و فیزیکی علیه زنان را شامل می شود.

بالغ بر ۸۷ مورد دیگر این قضایا مجروحیت است. ۳۸ مورد نیز کار اجباری گزارش شده و در ۱۹ مورد خشونت منجر به قتل شده است. آتش زدن مورد دیگری از خشونت های جسمی است که ۱۳ مورد را شامل می شود. در ۱۱ مورد دیگر قطع اعضای بدن قربانی صورت گرفته است.

یکی از انواع تکان دهنده خشونت جسمی که منجر به قتل زنان می شود، قتل ناموسی است که با توجیحات حیثیتی - ناموسی اتفاق می افتد. در جریان تحقیق ملی که کمیسیون در این زمینه انجام داد، ۲۴۳ مورد از قضایای قتل ناموسی مستند گردیده بود که در فاصله زمانی آغاز سال ۱۳۹۰ تا پایان ثور ۱۳۹۲ اتفاق افتاده بودند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جریان سال ۱۳۹۲ نیز ۱۲۰ مورد قتل ناموسی را مستند کرده بود که بیشتر آن ها در ولایات هرات، جلال آباد و گردیز اتفاق افتاده بود.

در سال ۲۰۱۴ نیز کمیسیون در مجموع ۱۶۲ حادثه قتل زنان مستند سازی کرده است. از این میان ۹۲ قضیه قتل ناموسی بوده و ۷۰ قضیه دیگر نیز قتل غیرناموسی بوده است. مناطق تحت پوشش دفتر ساحوی هرات کمیسیون بیشترین موارد قتل ناموسی را در سال ۲۰۱۴ شاهد بوده است. از مجموع ۹۲ قضیه قتل ناموسی، ۴۴ مورد آن به ولایت هرات اختصاص داشته است. پس از هرات، ولایات بلخ، قندهار و گردیز به ترتیب با ۱۴، ۱۳ و ۹ مورد قتل ناموسی قرار دارد. جلال آباد، فاریاب، هلمند، کندز و ارزگان موارد دیگر قتل ناموسی را شاهد بوده است.

خشونت جنسی یکی دیگر از جدی ترین مشکلات زنان در افغانستان است. زنان و دختران زیادی هر ساله قربانی این جنایت می گردند. خشونت جنسی از مسایل تابویی در سنت های جامعه افغانی است، از این رو، تلاش می شود که وقایع خشونت جنسی کتمان گردد. بنابراین، بسیاری از موارد خشونت های جنسی

گزارش داده نشده و ثبت نمی گردد. با این حال، در سال ۲۰۱۴ حدود ۴۱۲ مورد از خشونت های جنسی در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان درج گردیده است که ۸.۵ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را تشکیل می دهد. در سال ۱۳۹۲ نیز، ۴۵۳ مورد از قضایای خشونت جنسی علیه زنان به ثبت رسیده بود که نزدیک به ۷ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را در آن سال شامل می شد.

خشونت جنسی به شیوه های مختلف همچون تجاوز جنسی، روابط نامعمول جنسی، توهین و تحقیر و بی حرمتی جنسی، و روسپی گری اجباری، سقط جنین اجباری و غیره اتفاق می افتد.

تجاوز جنسی از موارد بسیار حاد و نگران کننده خشونت جنسی در افغانستان است. بسیاری از حوادث تجاوز جنسی توأم با خشونت های دیگر اتفاق می افتد که در شماری موارد منجر به مرگ قربانی می شود. آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ حاوی ۵۴ قضیه تجاوز جنسی است که از بقیه انواع خشونت های جنسی تفکیک شده است. اگر مقاربت جنسی اجباری و اجبار به عمل لواط را نیز جزو موارد تجاوز جنسی به شمار آوریم، از مجموع موارد خشونت جنسی در سال ۲۰۱۴، ۱۷۹ مورد آن تجاوز جنسی بوده است. این رقم از مجموع قضایای خشونت جنسی بیش از ۴۳ درصد را تشکیل می دهد که رقم بسیار تکان دهنده است.

با احتساب مقاربت جنسی اجباری و اجبار به لواط، در سال ۱۳۹۲ نیز، ۱۳۹ مورد قضایای خشونت جنسی تجاوز جنسی بوده است که حدود ۳۰.۷ درصد از مجموع موارد خشونت جنسی علیه زنان را در آن سال شامل می شود. در سال ۱۳۹۱ آمار تجاوز جنسی به ۱۰۹ مورد رسیده بود که ۲۷ درصد از مجموع موارد خشونت جنسی علیه زنان را شامل می شد. مقایسه ارقام تجاوز جنسی در این سه سال نشان دهنده روند رو به افزایش قضایای تجاوز جنسی می باشد.

از میان آمارهای خشونت جنسی در سال ۲۰۱۴، علاوه بر تجاوز جنسی، ۷۵ مورد آزار و اذیت جنسی ذکر شده است. ۳۶ مورد نیز قضایای اجبار به فحشا و روسپیگری در دفاتر کمیسیون ثبت گردیده و ارتباط نامشروع شوهر با دیگران نیز مشتمل بر ۶۷ مورد می باشد.



سقط جنین اجباری ۲۴ مورد را در آمارهای سال ۲۰۱۴ خشونت علیه زنان به خود اختصاص داده و ۱۲ مورد دیگر نیز اجبار به تماشای تصاویر و فیلم های مستهجن ذکر شده است. ۱۰ مورد نیز حاوی بارداری اجباری بوده است.

خشونت زبانی و روانی نیز از موارد شایع خشونت علیه زنان می باشد که کمتر به عنوان خشونت مورد توجه قرار می گیرد. این نوع خشونت ها نیز پیامد منفی زیادی بر روح و روان زنان قربانی دارد. تحقیر، دشنام و تهدید از اشکال رایج این نوع خشونت های می باشد که می تواند تاثیرات جدی را بر شخصیت و روان زنان وارد سازد

خشونت لفظی و روانی در برابر زنان هم می توانند در داخل خانواده و هم در محلات عامه به شکل آزار و اذیت خیابانی به وقوع بپیوندند و زنان را در وضعیت خطرناک و دشواری قرار دهد.

در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۴۸۲ مورد خشونت های زبانی و روانی در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ثبت رسیده است. این رقم ۳۰.۴ درصد مجموع خشونت های ثبت شده در این سال را دربر می گیرد. در سال ۱۳۹۲ نیز ۱۶۷۲ مورد خشونت زبانی و روانی علیه زنان ثبت شده بود که بالغ بر ۲۵.۳ درصد از کل موارد خشونت علیه زنان در آن سال را شامل می شد.

موارد ثبت شده از این نوع خشونت ها نیز بسیار کمتر از مقداری است که در واقعیت به وقوع می پیوندد. اما اکثر زنان آن را بنا به دلایل مختلف تحمل می کنند و از افشای آن خود داری می نمایند. این دلایل می تواند شامل ترس از پیامدهای آن، عادی و طبیعی پنداشتن آن و یا عدم دسترسی به مراجع حمایت کننده باشد.

از مجموع قضایای خشونت زبانی و روانی در سال تحت پوشش این گزارش، ۸۶۸ مورد آن را دشنام، تحقیر و تخویف تشکیل می دهد که بالغ بر ۵۹ درصد کل موارد خشونت های زبانی و روانی است. این آمار بیانگر آن است که بدزبانی و تحقیر زنان امری رایج است. در سال ۱۳۹۲ نیز، ۷۰۸ مورد قضایای خشونت زبانی و روانی استهزا و تمسخر و یا سخنان تحقیرآمیز همچون فحش و دشنام به زنان بوده است.

از میان آمارهای خشونت زبانی و روانی در سال تحت پوشش این گزارش، حدود ۱۲.۳ درصد قضایا که شامل ۱۸۲ مورد می شود، حاوی تهدید به قتل بوده است. در ۱۴۴ مورد از این قضایا تهمت زدن به شخصیت

و رفتار زنان صورت گرفته است. در ۳۵ مورد دیگر نیز زنان یا به خاطر نداشتن طفل و یا به خاطر نداشتن طفل پسر، مورد توهین و تحقیر قرار گرفته است. توهین به خاطر معلولیت و موارد دیگر نیز جزو انواع خشونت زبانی و روانی علیه زنان در سال ۲۰۱۴ بوده است.

آمارهای بالا بیانگر فضای ناسالم زبانی و روانی در برابر زنان است که شرایط زندگی آرام و سلامت آمیز را برای آن‌ها بسیار سخت می‌سازد.

خشونت اقتصادی نوع دیگر خشونت علیه زنان است. این خشونت هم به گونه‌های متفاوت اتفاق می‌افتد. آمارهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که در جریان سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۰۲۴ مورد خشونت اقتصادی علیه زنان در دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده است. این رقم ۲۱ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را در سال مذکور شامل می‌شود. در سال ۱۳۹۲ نیز به تعداد ۱۳۴۰ مورد قضایای خشونت اقتصادی در دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده بود که ۲۰.۳ درصد از مجموع موارد خشونت علیه زنان را در دوره زمانی مورد نظر تشکیل می‌داد.

عدم تأمین نفقه در میان انواع ثبت شده خشونت اقتصادی، بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است. این رقم ۸۲۷ مورد است که نزدیک به ۸۱ درصد کل موارد خشونت های اقتصادی را دربر می‌گیرد. این رقم بیانگر محدودیت شدید دسترسی زنان به نفقه است و در بسا حالات، زمانی که زنان تقاضای حقوق شان را می‌نمایند مردان به برخورد شدید و خشونت های زبانی نیز متوسل می‌شوند.

خشونت علیه زنان منحصر به خشونت های فوق نیست. براساس داده های بانک اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، علاوه بر دسته های قبلی خشونت علیه زنان، حدود ۴۸۷ قضیه دیگر نیز در دفاتر کمیسیون ثبت شده اند در داده های سال ۲۰۱۴ خشونت علیه زنان، از مجموع ۴۸۷ مورد مذکور، ۱۲۳ مورد ممانعت از انتخاب همسر، ۹۹ مورد نامزدی اجباری، ۸۳ مورد چند همسری شوهر، ۳۹ مورد ممانعت از حق تعلیم و تحصیل، ۱۸ مورد عدم دسترسی به خدمات صحی، ۱۰ مورد خرید و فروش زنان به بهانه ازدواج، ۸ مورد نفی قرابت، ۵ مورد بد دادن، ۵ مورد ممانعت از فعالیت های مدنی و سیاسی، یک مورد اجبار به استفاده از مواد مخدر و یک مورد نیز قاچاق ذکر شده است.

خشونت علیه زنان، پیامدهای ناگوار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را بالای زندگی زنان افغانستان به همراه دارد. این خشونت ها، بر صحت، حرمت و شأن اجتماعی، وضعیت زندگی و رفاه زنان تأثیرات سوء به جا می گذارد و مانع انکشاف و رشد آنان شده و باعث انزوای آنان می گردد.

داده های بانک اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۴، نشان می دهد که در ۳۵.۳ درصد موارد این خشونت ها منجر به آسیب ها و مشکلات روانی برای قربانیان شده است. این رقم بیانگر آسیب های بالای روانی خشونت علیه زنان است.

خشونت علیه زنان شالوده خانواده را از هم می پاشد. براساس آمارهای کمیسیون، بی سرنوشتی، تقاضای تفریق، ترک منزل و فرار از منزل هر کدام به ترتیب ۲۴.۱ درصد، ۱۳.۵ درصد، ۷.۷ درصد و ۶.۷ درصد از پیامدهای خشونت علیه زنان را تشکیل می دهد. در سال ۱۳۹۲ نیز، تقاضای تفریق، فرار از منزل، بی سرنوشتی و تفریق نیز به ترتیب پیامدهای ۱۶.۷، ۸.۴، ۵.۹ و ۳.۲ درصد موارد خشونت علیه زنان بوده است. این ارقام به روشنی نشان می دهد که نظام خانواده و زندگی خانوادگی با اعمال خشونت بر زنان از هم می پاشد و منجر به فروپاشی خانواده می گردد.

جراحت، اقدام به خودکشی، خودکشی، خودسوزی، قتل، شکستگی اعضا، معلولیت اعضای بدن، گدایی، ترک وظیفه، مبتلا شدن به امراض جنسی، اقدام به خودسوزی، ترک تعلیم و تحصیل، حاملگی (به اثر تجاوز)، رو آوردن به فحشا و غیره نیز جزو پیامدهای خشونت علیه زنان قلمداد شده است.

در ۹۶ مورد این خشونت ها، قضایا منجر به قتل، خودکشی یا خودسوزی قربانی شده است. در سال ۱۳۹۲ نیز ۱۰۳ مورد از این قضایا، منجر به مرگ، قتل یا خودکشی قربانی شده بود.

این آمارها نگران کننده بوده و وضعیت رقت بار خشونت علیه زنان را آشکار می سازد.

هرچند خشونت علیه زنان معضلی است که ریشه در فرهنگ و سنت های جامعه دارد و در سطح جامعه رایج است. اما خشونت علیه زنان در درون خانواده ها نیز بسیار مروج است. داده ها و اطلاعات ثبت شده در دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به وضوح نشان می دهد که خشونت های خانوادگی از رایج ترین و عام ترین انواع خشونت علیه زنان است. از مجموع آمارهای سال ۲۰۱۴ از مجموع ۴۸۷۳

مورد، ۴۷۶۶ مورد (یعنی حدود ۹۷.۸ درصد) در محیط خانه ها اتفاق افتاده است. در سال ۱۳۹۲ نیز، حدود ۹۸ درصد موارد را خشونت هایی تشکیل می داد که در داخل خانه اتفاق افتاده بود.

از میان بقیه موارد، ۳۸ مورد در سرک یا کوچه، ۲۴ مورد در محل کار یا اداره و شفاخانه، ۳ مورد در مرکز آموزشی، مکتب یا دانشگاه، ۸ مورد در توقیف گاه یا محبس اتفاق افتاده است. ۳۴ مورد دیگر نیز مشخص نشده است.

یکی از معضلات عمده برای زنان، آزارهای خیابانی است. هرچند تحقیق بسیار دقیق و مشخصی در این زمینه صورت نگرفته است، ولی نگاه کلی به وضعیت نشان می دهد که آزارهای خیابانی، خصوصاً در شهرها بسیار زیاد اتفاق می افتد. اما چون تصور عمومی از خشونت علیه زنان، خشونت های شدید است، لذا این گونه آزارها را معمولاً به عنوان خشونت جدی نمی گیرند و به مراجع و ارگان های مسوول ثبت نمی کنند.

براساس اطلاعاتی که در بالا درج شد، بیشترین موارد خشونت علیه زنان توسط مردان اتفاق می افتد. اما زنان نیز در موارد زیادی بر همجنسان خود خشونت روا می دارند. خشونت زنان علیه زنان بیانگر ریشه دارد بودن این معضل در فرهنگ و سنت های جامعه می باشد.

داده های کمیسیون در سال ۲۰۱۴ نشان می دهد که عامل حدود ۸۸.۷ درصد خشونت ها علیه زنان مرد بوده اند. در ۹.۹ درصد موارد نیز عامل خشونت های زن معرفی شده است.

معمولاً از بی سوادی به عنوان یکی از عوامل وقوع خشونت علیه زنان یاد می شود. تحقیقات نشان می دهد که خشونت علیه زنان در میان افراد بی سواد یا کم سواد بیشتر اتفاق می افتد. داده های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۴ نیز این مسأله را تأیید می کند. چنانچه حدود ۵۲ درصد از موارد خشونت علیه زنان در سال مورد نظر توسط افراد بی سواد اتفاق افتاده است. بنابراین، می توان بی سوادی را به عنوان یکی از عوامل موثر در شیوع خشونت علیه زنان دانست.

این داده ها نشان می دهد که افرادی که از سواد نسبی برخوردار اند نیز در ارتکاب خشونت علیه زنان نقش داشته اند. براساس این داده ها، ۱۹ درصد از مرتکبان خشونت علیه زنان از سواد ابتدایی و متوسط برخوردار بوده اند، در حالیکه به همین مقدار تا سطح لیسه درس خوانده اند.

از اعتیاد به مواد مخدر می توان به عنوان یکی از مسایلی که زمینه را برای وقوع خشونت علیه زنان بیشتر مساعد می سازد یاد کرد. داده های سال ۲۰۱۴ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در زمینه خشونت علیه زنان نشان می دهد که عاملان بیش از ۲۱ درصد مجموع قضایای خشونت علیه زنان معتاد بوده اند. حدود ۵۷ درصد آنان اعتیاد نداشته اند و اعتیاد نزدیک به ۲۲ درصد آنان نیز معلوم نیست.

از آنجا که جامعه آماری افراد معتاد نسبت به افراد غیر معتاد بسیار اندک است، نقش ۲۱ درصدی افراد معتاد در خشونت علیه زنان بسیار چشمگیر است. از این رو، می توان از اعتیاد به عنوان یکی از عوامل خشونت علیه زنان یاد کرد. بنابراین گسترش اعتیاد می تواند به گسترش خشونت علیه زنان نیز منجر شود.

خشونت علیه زنان، ناشی از عوامل متعددی است. برخی از این عوامل ریشه در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد و شماری دیگر ناشی از ناهنجاری های حقوقی و ضعف حاکمیت قانون و فساد در دستگاه عدلی و قضایی کشور است. براساس آنچه که در تحقیق کمیسیون در رابطه با عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی آمده است، مهم ترین عوامل خشونت علیه زنان را می توان به صورت زیر لیست کرد.

- عدم برخورد قاطعانه با مجرمین و تداوم فرهنگ معافیت از مجازات؛
- فساد اداری و سوء استفاده از موقف وظیفه یی؛
- دخالت افراد متنفذ در امر رسیدگی به قضایا و حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان توسط مراجع غیررسمی؛
- کتمان جرایم و عدم مراجعه قربانیان به مراجع عدلی و قضائی به دلیل ترس و بی اعتمادی نسبت به ارگان های دولتی؛
- عدم هماهنگی لازم و مناسب بین ارگان های عدلی و قضایی (خصوصا پولیس، سارنوالی و محاکم)؛
- دسترسی محدود زنان به عدالت (محاکم، سارنوالی های منع خشونت، توقیف خانه های زنانه و وکلای مدافع)؛
- وجود اسلحه غیرقانونی نزد افراد و گروه های مسلح غیر مسئول؛
- نبود امنیت و ضعف حاکمیت دولت در ولسوالی ها و ولایات؛
- عدم حمایت لازم از قربانیان خشونت علیه زنان؛
- نگرش منفی نسبت به زنان در سنت های مردسالار جامعه؛
- تجویز خشونت علیه زنان در نگرش منفی نسبت به زنان و الگوهای خشونت پرور رفتاری با زنان؛
- نگرش غالب جنسی نسبت به زنان؛

- کتمان وقایع تجاوز جنسی و قتل ناموسی به دلیل حساسیت‌های سنتی؛
- عادی شدن خشونت علیه زنان؛
- بی‌سوادی و سطح پایین آگاهی‌های عمومی؛
- الگوهای سنتی ازدواج در جامعه افغانستان؛
- فقر و بی‌کاری؛
- افزایش اعتیاد به مواد مخدر

میزان رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان محدود بوده است و چنانچه در بالا اشاره شد، یکی از عوامل خشونت علیه زنان نیز عدم رسیدگی به این قضایا دانسته شده است. تطبیق قانون محو خشونت علیه زنان می‌تواند موثرترین راه برای مبارزه با خشونت علیه زنان باشد.

براساس معلومات کتبی که توسط لوی سارنوالی افغانستان به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ارسال گردیده است، «سارنوالی مبارزه با خشونت علیه زنان از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا تاریخ ۸ دلو این سال، در حدود ۹۶۵ قضیه داشته که ۵۷ قضیه بعد از طی مراحل محاکماتی کاملاً نهایی گردیده است. ۱۸۶ قضیه به محکمه ابتداییه ولایت کابل محول گردیده، ۲۵ قضیه به محکمه استیناف تعقیب و ۱۵۵ قضیه به خاطر عدم مراجعه مدعی برای پیشبرد دعوی، به مدیریت اداری این اداره نگهداری گردیده است. ۱۳۴ قضیه به نسبت انصراف متضرر(زن) مطابق فقره ۲ ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زنان حفظ گردیده است. ۱۷۰ قضیه نیز تحت کار کمیته‌های تحقیق قرار داشته و متباقی قضایا به نسبت عدم صلاحیت رسیدگی به مراجع ذیربط ارسال گردیده است.»

لوی سارنوالی در مکتوب خود نگاشته است که «مجرمین قضایایی که به محاکم تعقیب گردیده است با تفکیک جرایم شان از ۶۰۰۰۰۰ افغانی جریمه نقدی تا بیست سال حبس تنفیذی و اشد مجازات (اعدم) محکوم به جزا گردیده اند.» اما گزارش لوی سارنوالی توضیح نمی‌دهد که چند نفر به خاطر ارتکاب خشونت علیه زنان به مجازات محکوم شده اند و نوعیت مجازات با ذکر تعداد نیز در گزارش لوی سارنوالی نیامده است.

دادگاه عالی (استره محکمه) افغانستان نیز ضمن معلومات کتبی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌نگارد: «به ملاحظه گزارش‌هایی که از آغاز سال ۱۳۹۳ تا ختم ربع سوم این سال از محاکم مرکز و ولایات به دسترس قرار گرفته است، مجموعاً ۸۰۵ قضیه تحت عنوان خشونت علیه زنان مورد رسیدگی و اصدار

حکم قرار گرفته که از جمله رقم فوق ۲۵۹ قضیه آن تحت عنوان تجاوز جنسی و ۵۴۶ قضیه دیگر تحت عنوان خشونت علیه زن گزارش داده شده است.»

مکتوب دادگاه عالی افغانستان بیشتر از این حاوی اطلاعات دیگر نیست و لذا مشخص نیست که چند قضیه خشونت علیه زنان در ادارات مربوط به این ارگان ارجاع داده شده، این قضایا مربوط کدام ولایات است، چند نفر به جرم ارتکاب خشونت علیه زنان به مجازات محکوم شده اند و چه نوع مجازاتی برای آنان تعیین شده است.

محاکم افغانستان در سال ۱۳۹۲ به تعداد ۴۲۹ قضیه خشونت علیه زنان را مورد رسیدگی قضایی قرار داده بود که ۱۱۶ قضیه از این میان، مربوط قضایای تجاوز جنسی بر زنان بود. بقیه موارد، مربوط قضایای لت و کوب، آزار و اذیت، تهدید، خرید و فروش، نکاح اجباری، مجروح ساختن و قتل بود.

نتایج این گزارش نیازمند توجه جدی مراجع مسوول به مسأله است و مبارزه با آن طرح برنامه های دقیق و جدی مبارزه با خشونت در درون خانواده ها را می طلبد. بنابراین، دولت افغانستان باید در چارچوب تعهدات حقوقی و قانونی خود، که هم در اسناد بین المللی حقوق بشر تصریح شده و هم در قوانین داخلی آمده است، اقدامات موثر و عملی را در جهت بهبود وضعیت حقوق زنان بردارد.

## بخش اول

### مفاهیم و کلیات

#### ۱. مقدمه:

حمایت و انکشاف حقوق زنان یکی از اهداف و برنامه های اصلی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است. بخشی ویژه برای پیشبرد این هدف در ساختار کمیسیون وجود دارد که برای بهبود وضعیت حقوق زنان در کشور تلاش می کند.

بنابر وضعیت ناگوار خشونت علیه زنان، خشونت علیه زنان یکی از مسایل محوری در بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان در کمیسیون می باشد. کمیسیون یک بانک اطلاعات ویژه برای جمع آوری و ثبت قضایای خشونت علیه زنان دارد که این گزارش نیز بر مبنای آن تهیه و تدوین گردیده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، قضایای مربوط به خشونت علیه زنان را از طریق دفاتر ساحوی و ولایتی خود، دریافت نموده و برای حمایت از قربانیان، از طریق ارجاع چنین قضایا به ارگان های عدلی و قضایی خواهان رسیدگی قانونی شده و تا آخرین مرحله برای قربانیان دادخواهی می نماید. کمیسیون، نظر به نوعیت قضیه به مراجعین، شاکی ها و جانبین قضیه مشوره حقوقی داده و برای حل قضایا دست به میانجیگری و مساعی مورد ضرورت می زند. در صورت ضرورت برای دفاع و حمایت از زنان قربانی، آن ها را به منظور گرفتن وکیل مدافع، به انجمن وکلای مدافع و یا سایر سازمان های حقوقی معرفی می کند.<sup>۱</sup>

افزون براین، کمیسیون از طریق برنامه های آموزشی و آگاهی دهی عمومی در پی ایجاد تغییر در نگرش های خشونت پرور و تحقیر آمیز نسبت به زنان در جامعه است. از این رو حقوق زنان را در مکاتب،

---

<sup>۱</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. ص ۱۰.



دانشگاه‌ها، دارالمعلمین‌ها و مراکز آموزشی نظامی ترویج نموده و تلاش دارد تا تغییرات نگرشی و رفتاری را در میان مردم به وجود آورد و در نهایت خشونت علیه زنان را کاهش دهد. هم‌چنین بخش حمایت از حقوق زنان به ایجاد شبکه‌های دادخواهی و ابتکارهای مشترک با دولت و جامعه مدنی اقدام نموده و در روند قانون گذاری با ارائه نظریات و مشوره‌ها سهم می‌گیرد. از سوی دیگر، بخش حمایت از حقوق زنان به طور منظم بر محلات سلب آزادی زنانه و مراکز امن زنان به منظور ارزیابی رعایت و حمایت از حقوق زنان به طور مداوم و منظم نظارت می‌کند.<sup>۲</sup>

همچنین کمیسیون از طریق تهیه و نشر گزارش‌های تحقیقی در رابطه با حقوق زنان تلاش دارد تصویر دقیق تری از وضعیت حقوق زنان در کشور ارائه کند. کمیسیون در طول چند سال گذشته، چندین گزارش تحقیقی را در مورد حقوق زنان تهیه و نشر نموده و پیشنهادات مشخصی را برای بهبود وضعیت حقوق زنان، به دولت افغانستان و سازمان‌های ملی و بین‌المللی مطرح کرده است. شماری از گزارش‌های تحقیقی منتشر شده عبارتند از وضعیت حقوق زنان بیوه در کشور، وضعیت زنان شاغل در افغانستان، وضعیت زنان جوان در خانواده، وضعیت زنان معتاد در افغانستان، خشونت‌های خانوادگی علیه زنان، عوامل خودکشی زنان در حوزه جنوب غرب، بررسی علل و عوامل قاچاق زنان و اطفال در افغانستان و وضعیت مشارکت و حضور زنان در حوزه عمومی و فعالیت‌های سیاسی در افغانستان و بررسی علل و عوامل تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان (گزارش تحقیق ملی). گزارش‌های ویژه خشونت علیه زنان در افغانستان نیز بخشی از این فعالیت‌ها است که معمولاً هر ساله تهیه و نشر می‌گردد.<sup>۳</sup>

علاوه بر این‌ها، دیگر بخش‌های کمیسیون نیز توجهی ویژه به حقوق زنان دارند. از این رو به زنان به عنوان یکی از آسیب پذیرترین اقشار جامعه مورد توجه ویژه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است. این توجه ویژه در گزارش‌های دیگر کمیسیون از قبیل گزارش‌های وضعیت حقوق بشر در افغانستان، وضعیت اطفال در افغانستان، وضعیت حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان و غیره نیز بازتاب می‌یابد.

## ۲. روش شناسی:

این گزارش یک گزارش آماری-توصیفی است که قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را در سال ۲۰۱۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و از این طریق تلاش دارد

۲. همان.

۳. همان.

تصویری از وضعیت خشونت علیه زنان در کشور به دست دهد. این گزارش بر مبنای تحلیل ۴۸۷۳ مورد خشونت علیه زنان تهیه گردیده که از مجموع ۲۰۲۶ شاکی قضیه خشونت علیه زنان به دست آمده است. این قضایا در دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، از ۳۴ ولایت کشور به ثبت رسیده است.

در این گزارش، قضایای خشونت علیه زنان در پنج دسته تنظیم گردیده و مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. خشونت فزیک و جسمی؛
۲. خشونت جنسی؛
۳. خشونت زبانی و روانی؛
۴. خشون اقتصادی؛
۵. گونه های دیگر خشونت؛

هریک از دسته های بالا، با ذکر آمار و ارقام دقیق بررسی شده و تقسیم بندی های جزئی تر از انواع خشونت علیه زنان نیز در ذیل هر کدام از عناوین بالا صورت گرفته و با ذکر آمار و ارقام، میزان شیوع هر یک از آن ها نشان داده شده است.

علاوه بر انواع خشونت، مسایل دیگری نیز در این گزارش مورد بحث و بررسی قرار گرفته که شماری از آن ها عبارتند از:

- پیامدهای خشونت علیه زنان؛
- جغرافیا و محل وقوع خشونت علیه زنان؛
- معلوماتی در باره عاملان خشونت علیه زنان؛
- عوامل خشونت علیه زنان؛
- رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان در محاکم افغانستان؛

داده های این گزارش، با استفاده از فرم ویژه خشونت علیه زنان، توسط کارمندان دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جریان سال ۲۰۱۴ خورشیدی جمع آوری گردیده است. این داده ها مبنای توصیف ها و تحلیل های آماری این گزارش می باشد. همچنین شرح قضایای خشونت علیه زنان و مشاهدات کارمندان کمیسیون منابع دیگر داده های این گزارش می باشد.

در بخش رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان، از معلومات کتبی ای که لوی سارنوالی و دادگاه عالی افغانستان در اختیار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قرار داده است، نیز استفاده گردیده است.

برای ارائه تصویر دقیق تر و شفاف تر از مسأله مورد بحث، تلاش شده نمونه هایی از قضایای خشونت علیه زنان در متن گزارش درج گردد. این قضایا نیز نشان دهنده وضعیت ناگوار و تکان دهنده خشونت علیه زنان در کشور می باشد. عکس هایی نمونه از خشونت علیه زنان نیز در متن گزارش گنجانده شده است.

در هر بخش، برای ترسیم تصویر دقیق تر، داده های آماری سال ۲۰۱۴ با سال قبل و در مواردی با دو سال قبل از آن مقایسه شده است. نکته قابل ذکر این است که دوره زمانی این گزارش سال میلادی است، ولی گزارش های قبلی براساس سال شمسی تهیه می شد. در حقیقت، داده های آماری سه ماه اولی این گزارش، با گزارش سال قبلی مشترک است. ولی از آنجا که این گزارش یک گزارش سالانه است و دوره زمانی آن نیز بنا بر ضرورت کاری براساس سال میلادی تنظیم شده است، مجبور شدیم که داده های سه ماه اول را که در گزارش قبلی نیز استفاده شده بود، دوباره با آمارهای این گزارش مدغم سازیم تا گزارش براساس سال ۲۰۱۴ تنظیم شود.

همچنین در این گزارش نظری گذرا و مختصر به مبانی حقوقی و قانونی حمایت از حقوق زنان و تعهدات دولت برای مبارزه با خشونت علیه زنان نیز می اندازد.

در پایان این گزارش، یک جمع بندی مختصر صورت گرفته و پیشنهاداتی نیز برای بهبود وضعیت حقوق زنان و مبارزه با خشونت علیه زنان نیز ارائه گردیده است.

با این حال، این گزارش نمی تواند مشتمل بر همه موارد خشونت علیه زنان در کشور باشد. این گزارش تنها قضایای و اطلاعات ثبت شده در دفاتر کمیسیون را تحت پوشش قرار می دهد.

چالش های متعددی مانع دسترسی به همه موارد خشونت علیه زنان می باشد. بخشی از این چالش ها، خطرات و محدودیت های امنیتی، عدم دسترسی زنان به دفاتر کمیسیون، عادی و طبیعی پنداشتن بسیاری از انواع خشونت علیه زنان در جامعه و از جمله برای خود زنان، و نیز محدودیت های سنتی-فرهنگی در برابر زنان برای مراجعه به مراجع و ارگان های حمایتی می باشد.

### ۳. مبانی حقوقی و قانونی حمایت از حقوق زنان و مبارزه با خشونت علیه آنان:<sup>۴</sup>

حمایت از حقوق زنان و مبارزه با خشونت علیه زنان پشتوانه های حقوقی و قانونی روشنی دارد. این پشتوانه ها هم در اسناد بین المللی حقوق بشر و هم در قوانین ملی آمده است. در اینجا به طور مختصر به بعضی از آن ها پرداخته می شود.

#### الف. اسناد بین المللی حقوق بشر

بر اساس حکم ماده ۷ قانون اساسی افغانستان، دولت افغانستان مکلف است که منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ها ملحق گردیده و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت کند.<sup>۵</sup> شماری از مهمترین اسنادی که افغانستان به آن ها پیوسته است عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه محو خشونت علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازات و برخوردهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و کنوانسیون حقوق اطفال.

در اسناد متذکره احکام مشخصی وجود دارد که بر حمایت از حقوق زنان، منع تبعیض و خشونت علیه آنان حکم می کند.

به عنوان نمونه، «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، بر رفع تبعیض علیه زنان و اتخاذ تدابیر برای حمایت از حقوق آنان و تأمین برابری زنان با مردان و رفع خشونت علیه زن تأکید کرده است. این مسایل نوعی مکلفیت قانونی دولت های عضو عنوان گردیده است.<sup>۶</sup> ماده دوم این کنوانسیون حکم می کند:

«دول عضو، هر گونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می نمایند که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف، موارد زیر را متعهد می شوند:

<sup>۴</sup> این قسمت گزارش، برگرفته از گزارش قبلی خشونت علیه زنان در افغانستان است.

<sup>۵</sup> قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)، ماده ۷.

<sup>۶</sup> کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. ص ۲۷.

الف: گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوطه ی هر کشور، چنان چه تا کنون منظور نشده باشد، و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله ی وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛

ب: تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضاء، به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج: برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی؛

د: خودداری از انجام هرگونه عمل و حرکت تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی؛

ه: اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان، و یا شرکت های خصوصی؛

و: اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روش های موجود که نسبت به زنان تبعیض آمیز اند؛

ز: فسخ کلیه ی مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان می شود؛<sup>۷</sup>

همچنین ماده اول اعلامیه محو خشونت علیه زن، خشونت علیه زن را تعریف می نماید. مبتنی بر این تعریف، «خشونت علیه زنان به معنی هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنس است که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر بشود، یا احتمال آن وجود داشته باشد، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی، که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود».<sup>۸</sup>

در ماده دوم این اعلامیه نیز برخی از موارد خشونت علیه زنان نام برده شده است:

«تعبیر خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد:

الف- خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می افتد، از جمله کتک زدن، آزار جنسی دختر بچه ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر رسوم عملی که به

<sup>۷</sup> مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، ماده ۲

<sup>۸</sup> مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه محو خشونت علیه زن (۱۹۹۷)، ماده ۱

زنان آسیب می‌رساند، خشونت در رابطه بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان،  
ب- خشونت جسمی، جنسی و روانی که در حوزه زندگی جمعی و اجتماع اتفاق می‌افتد، از جمله تجاوز،  
سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و  
تن فروشی اجباری،

ج- خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود.<sup>۹</sup>

ماده چهارم این اعلامیه به مسؤولیت‌های دولت‌های عضو، در برخورد با پدیده خشونت علیه زنان تأکید  
نموده است. در ابتدای این ماده تصریح شده که «دولت‌ها باید خشونت علیه زنان را محکوم نموده و نباید  
هیچ رسم، سنت یا ملاحظات مذهبی را برای وظیفه خود در رابطه با حذف آن بهانه کنند. دولت‌ها باید با  
استفاده از تمام شیوه‌های مناسب و بدون تأخیر یک سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان آن دنبال  
کنند.»<sup>۱۰</sup>

علاوه بر این‌ها، در کنوانسیون‌های حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی  
نیز بر حمایت از حقوق زنان تأکید صورت گرفته است. علاوه بر این‌ها، اسناد دیگری نیز هستند که به  
حمایت از حقوق زنان می‌پردازند که عبارتند از:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی،  
مطابق ۱۹ قوس ۱۳۲۷ شمسی)؛
- کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹، در خصوص حمایت از افراد در جریان  
مخاصمات مسلحانه و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ آن‌ها؛
- کنوانسیون منع قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، (۲۱  
مارچ ۱۹۵۰، افغانستان در ۲۱ می ۱۹۸۵ به این کنوانسیون ملحق شده است).
- عهدنامه حقوق سیاسی زنان (۳۱ مارچ ۱۹۵۳ اجرا: ۷ جولای ۱۹۵۴)
- اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در شرایط اضطراری و مناقشه مسلحانه، مجمع عمومی سازمان  
ملل، (قطعه‌نامه (۲۹) ۳۳۱۸ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴)،

<sup>۹</sup>. همان، ماده ۲

<sup>۱۰</sup>. همان، ماده ۴

- اعلامیه کنفرانس جهانی پکن (سپتامبر ۱۹۹۵)
- پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زن، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، (قطعنامه ۵۴/۴ مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹)؛
- پروتکل پیش‌گیری، توقف و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، (دسامبر ۲۰۰۰ میلادی)<sup>۱۱</sup>

## ب. قوانین ملی

یکی از دستاوردهای مهم افغانستان در بیش از ده سال اخیر، خلق پشتوانه‌های قانونی در قوانین ملی این کشور برای حقوق بشر و حقوق زنان است. قانون اساسی افغانستان در چندین ماده بر حقوق زنان تأکید ویژه کرده و دولت را مکلف به طرح و اجرای برنامه‌هایی می‌سازد که به بهبود وضعیت زنان موثر باشند. ماده‌ی ۷ آن دولت را به رعایت اسناد و تعهدات بین‌المللی مکلف می‌نماید که توسط دولت امضاء شده یا تصویب گردیده است. تعهداتی که شامل کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی حمایت‌کننده حقوق زنان، مثل کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه منع خشونت علیه زنان و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌گردد.<sup>۱۲</sup> چنانچه در بند اول ماده ۷ قانون اساسی آمده است: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند...»<sup>۱۳</sup> در ماده ۲۲ این قانون برابری جنسیتی به صراحت تسجیل گردیده و هر نوع تبعیض بین اتباع کشور ممنوع و غیر قانونی عنوان گردیده است: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.»<sup>۱۴</sup>

ماده ۵۳ قانون اساسی نیز بر حمایت از خانواده و به خصوص حمایت طفل و مادر تأکید می‌کند: «خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت

<sup>۱۱</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه‌های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان. نشر کمیسیون

مستقل حقوق بشر افغانستان. صص ۲۸-۲۹

<sup>۱۲</sup>. همان، ص. ۲۳

<sup>۱۳</sup>. قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)، ماده ۷

<sup>۱۴</sup>. همان. ماده ۲۲

جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، تدابیر لازم اتخاذ می کند.<sup>۱۵</sup>

سند قانونی مهم دیگر قانون منع خشونت علیه زن است که در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسید. اما این قانون هنوز با چالش های سنتی فراوانی از سوی نیروهای سنتی جامعه مواجه است. چنانچه در سال گذشته تصویب آن در پارلمان با مخالف شدید این نیروها مواجه شد. با این حال، این قانون را باید یکی از مبانی مهم به خاطر جلوگیری از خشونت علیه زنان به شمار آورد.

ماده ۲ این قانون، تأمین حقوق قانونی و حفظ کرامت انسانی زن، حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات ناپسند که سبب خشونت علیه زن می گردد، حمایت قربانیان خشونت، جلوگیری از خشونت علیه زن، بلند بردن سطح آگاهی عامه در مورد خشونت علیه زن و تعقیب عدلی مرتکبان جرم خشونت علیه زن، را به عنوان اهداف این قانون معرفی می کند.<sup>۱۶</sup>

ماده ۳ این قانون خشونت علیه زن را تعریف نموده و تصریح کرده که اعمالی که «موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال یا روان زن می گردد.» خشونت علیه زن قلمداد می شود. در ماده ۵ این قانون نیز موارد مهم خشونت علیه زنان چنین مشخص کرده است: (۱) تجاوز جنسی، (۲) مجبور نمودن به روسپیکری، (۳) ثبت و انتشار هویت قربانی، (۴) سوختاندن، پاشیدن تیزاب و سایر مواد سمی (۵) مجبور نمودن به خودسوزی و یا خودکشی و یا استفاده زهز و یا سایر مواد سمی، (۶) مجروح و یا معلول نمودن، (۷) ضربه زدن و پاره نمودن، (۸) فروش زنان به مقصد ازدواج، (۹) بد دادن، (۱۰) وادار نمودن به ازدواج اجباری، (۱۱) جلوگیری از حق ازدواج، (۱۲) ازدواج در خورد سالی، (۱۳) بدرفتاری، تحقیر و تهدید، (۱۴) آزار و اذیت، (۱۵) انزوای اجباری، (۱۶) عدم نفقه، (۱۷) محرومیت از میراث، (۱۸) اجتناب از پرداخت مهریه، (۱۹) ممانعت از دسترسی به دارائی شخصی، (۲۰) ممانعت از تحصیل و کار، (۲۱) کارشاقه، (۲۲) ازدواج با بیشتر از یک زن بدون در نظر داشت ماده ۸۶ قانون مدنی و (۲۳) ممانعت از روابط با دوستان.<sup>۱۷</sup>

ماده ۱۵ این قانون، کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را ایجاد نموده که از صلاحیت های تحقیق، اجرای برنامه های آگاهی دهی، تأمین هماهنگی بین نهادهای مبارزه با خشونت، پیشنهاد تعدیل یا وضع مقررات که در تطبیق این قانون مؤثر باشد و... برخوردار است.

<sup>۱۵</sup>. همان. ماده ۵۳

<sup>۱۶</sup>. قانون منع خشونت علیه زن (۱۳۸۸)، ماده ۲

<sup>۱۷</sup>. همان. ماده ۵



ماده ۸ تا ۱۵ این قانون نهادهای حمایتی از زنان در برابر خشونت را معرفی نموده و مسؤولیت‌های هر یک از آنها را در رابطه به رفع خشونت علیه زن، تذکر داده است. فصل سوم این قانون به مسایل جزایی جرایم خشونت علیه زن پرداخته است.

یکی از مهم ترین ماده‌های این قانون ماده‌ی ۴۳ آن است که تصریح می‌کند در صورتی که احکام این قانون با سایر قوانین عادی کشور، در مغایرت باشد، به احکام این قانون ارجحیت داده می‌شود.<sup>۱۸</sup>

---

<sup>۱۸</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. ص ۲۵.

## بخش دوم

### تحلیل داده‌های خشونت علیه زنان

#### ۱. انواع خشونت علیه زنان:

خشونت علیه زنان از جدی‌ترین معضلات حقوق بشر در افغانستان است. این خشونت‌ها به اشکال مختلف علیه زنان اعمال می‌گردد که گاه شکل بسیار خشن و وحشیانه می‌گیرد. بانک اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این خشونت‌ها را در دسته‌های مختلف دسته‌بندی می‌کند. رایج‌ترین انواع خشونت که در بانک اطلاعات کمیسیون ثبت گردیده است شامل انواع خشونت‌های جسمی، جنسی، اقتصادی، لفظی و روانی و خشونت‌هایی که به نحوی از انحا با عرف و عنعنات ناپسند ارتباط دارد، می‌شود.

این گزارش، براساس قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان، که توسط شاکیان خشونت در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جریان سال ۲۰۱۴ خورشیدی ثبت گردیده‌اند، تهیه شده است.

همانند گزارش‌های سال‌های گذشته، آمار شاکیان قضایای خشونت علیه زنان که بصورت انفرادی در کمیسیون مراجعه می‌کنند، با آمار انواع خشونت‌های ثبت شده در کمیسیون، تفاوت دارد، زیرا هر قربانی خشونت علیه زنان هنگام مراجعه به کمیسیون از چندین نوع خشونت شکایت دارد که در نتیجه آمار انواع قضایای خشونت علیه زنان را نسبت به آمار شاکیان خشونت بالا می‌برد. با این حال، این نکته قابل تذکر است که انواع موارد خشونت که بر زنان قربانی اعمال شده، به دقت قابل ثبت نیست، زیرا بسیاری از انواع خشونت علیه زنان نسبت به همدیگر همپوشانی دارند و ممکن است در هنگام ثبت قضایا، همه گونه‌های خشونت به دقت درج فرم‌ها نگردند. از طرفی دیگر، فرم خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴، شماری از انواع خشونت علیه زنان را که از لحاظ نوع و شیوه با همدیگر شباهت نزدیک داشته‌اند در هم ادغام کرده و در

ذیل یک نوع خشونت جاداده است. از این رو، تعدد انواع خشونت در این فرم ها نسبت به سال های قبل کاسته شده است.

در طول سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۲۰۲۶ شاکی خشونت علیه زنان به دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مراجعه کرده و قضایای شان را به ثبت رسانده اند. در سال ۱۳۹۲ تعداد شاکیان خشونت علیه زنان که به دفاتر کمیسیون مراجعه کرده بودند، به ۲۱۵۹ نفر و در سال ۱۳۹۱ به ۱۷۵۰ مورد می رسیدند. بنابراین، تعداد شاکیان خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال خورشیدی ۱۳۹۲ حدود ۶.۳ درصد کاهش و نسبت به سال ۱۳۹۱ حدود ۱۵.۸ درصد افزایش را نشان می دهد.

اما مجموع آمار انواع خشونت علیه زنان، که از قضایای ثبت شده شاکیان خشونت علیه زنان در طول سال ۲۰۱۴ به دست آمده است، به ۴۸۷۳ مورد می رسد. این رقم در سال ۱۳۹۲ بالغ بر ۶۶۱۱ مورد، و در سال ۱۳۹۱ به ۵۷۰۱ مورد بود. کاهش این ارقام در سال تحت پوشش این گزارش، چنانچه در بالا هم ذکر شده است، ناشی از تغییر ساختار فرم ثبت قضایای خشونت علیه زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است.

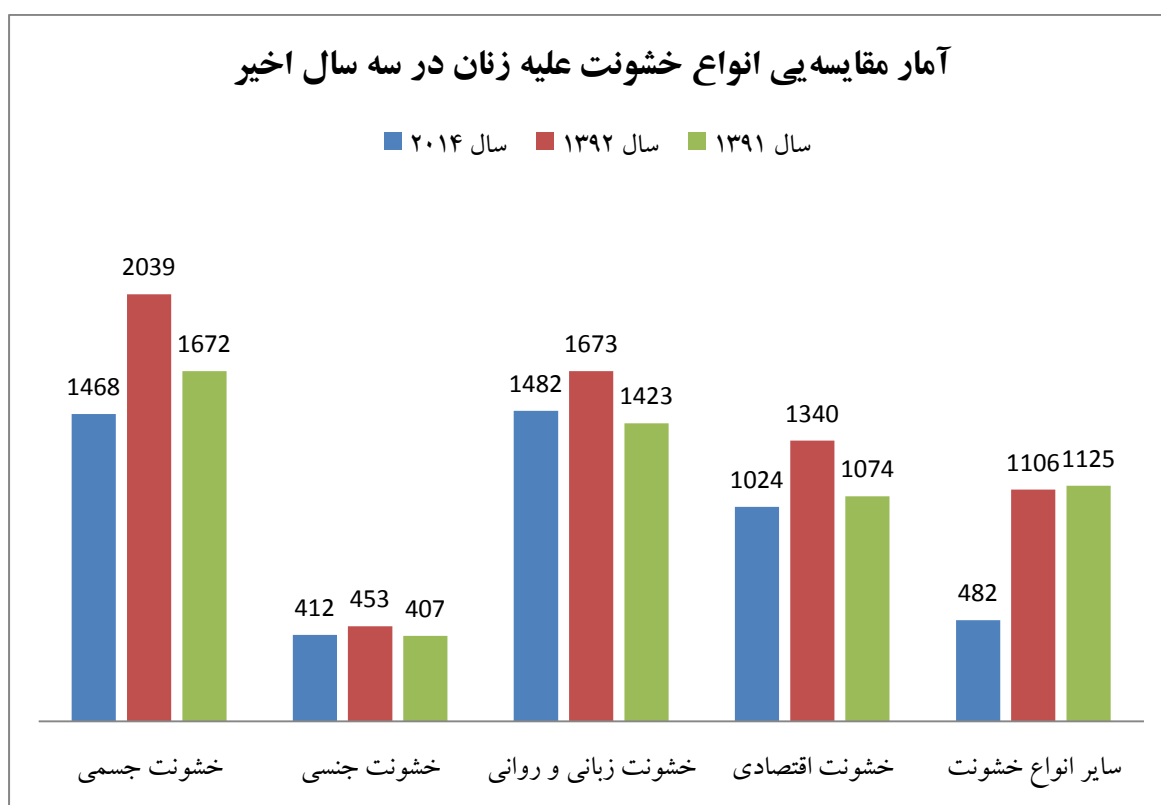
با این حال، قطعاً موارد خشونت علیه زنان، بسیار بیشتر از موارد ثبت شده است، زیرا بسیاری از قضایای خشونت علیه زنان ثبت نشده و در درون خانواده ها و قبایل کتمان می شوند. ارقام بالا، تنها مواردی از خشونت علیه زنان است که در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ثبت رسیده اند.

از مجموع آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در جریان سال ۲۰۱۴، بالغ بر ۱۴۶۸ مورد آن ها را، که مشتمل بر ۳۰.۱ درصد کل موارد ثبت شده خشونت علیه زنان می شود، خشونت های فیزیکی و جسمی تشکیل می دهند. بالغ بر ۴۱۲ مورد دیگر نیز که حدود ۸.۵ درصد کل موارد خشونت علیه زنان در این مدت را تشکیل می دهند، شامل انواع خشونت های جنسی بوده و ۱۴۸۲ مورد دیگر نیز که حدود ۳۰.۴ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می شوند، شامل خشونت های لفظی و روانی می باشند. همچنین ۱۰۲۴ مورد، که شامل ۲۱ درصد کل موارد خشونت علیه زنان می شود، خشونت های اقتصادی بوده است. بقیه ۴۸۷ مورد دیگر، که ۱۰ درصد مجموع موارد را تشکیل می دهد، مشتمل بر سایر انواع خشونت علیه زنان می باشد.

جدول و گراف زیر مجموع آمارهای انواع خشونت علیه زنان را در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ نشان می دهد:

انواع خشونت	فراوانی	درصد به نسبت مجموع آمار سال مربوطه
-------------	---------	------------------------------------

سال ۱۳۹۱	سال ۱۳۹۲	سال ۲۰۱۴	سال ۱۳۹۱	سال ۱۳۹۲	سال ۲۰۱۴	
%۲۹.۳۳	%۳۰.۸۴	%۳۰.۱	۱۶۷۲	۲۰۳۹	۱۴۶۸	خشونت جسمی
%۷.۱۴	%۶.۸۵	%۸.۵	۴۰۷	۴۵۳	۴۱۲	خشونت جنسی
%۲۴.۹۶	%۲۵.۳۱	%۳۰.۴	۱۴۲۳	۱۶۷۳	۱۴۸۲	خشونت زبانی و روانی
%۱۸.۸۴	%۲۰.۲۷	%۲۱.۰	۱۰۷۴	۱۳۴۰	۱۰۲۴	خشونت اقتصادی
%۱۹.۷۳	%۱۶.۷۳	%۱۰.۰	۱۱۲۵	۱۱۰۶	۴۸۲	سایر انواع خشونت
%۱۰۰.۰۰	%۱۰۰.۰۰	%۱۰۰	۵۷۰۱	۶۶۱۱	۴۸۷۳	مجموع



جدول و نمودار بالا نشان دهنده کاهش آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ نسبت به دو سال قبل است. اما این به معنای آن نیست که واقعاً خشونت علیه زنان کاهش یافته باشد. چنانچه قبلاً ذکر شده، این آمارها، آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است. قطعاً این آمارها، بیانگر همه موارد خشونت علیه زنان نیست و بسیاری از موارد خشونت علیه زنان ثبت نمی شوند. همچنین، چنانچه گفته شد، فرم های ثبت موارد خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال های قبل تغییر کرده و شماری از موارد و مصادیق خشونت علیه زنان که در فرم سال های قبل بود، در فرم سال

مورد نظر این گزارش در همدیگر ادغام شده و یا از لیست حذف شده اند. از این رو، تعداد موارد خشونت علیه زنان در دیتابیس این فرم ها کمتر شده است.

در بخش های ذیل انواع مختلف خشونت علیه زنان، مرتکبان آن، جغرافیای آن و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

## ۱.۱- خشونت فیزیکی

همانند آمارهای سال های گذشته، آمار سال تحت پوشش این گزارش نیز نشان می دهد که گسترده ترین نوع خشونت علیه زنان خشونت فیزیکی و جسمی می باشد. چنانچه اشاره شد، در سال ۲۰۱۴ از مجموع موارد خشونت علیه زنان، ۱۴۶۸ مورد آن خشونت های فیزیکی بوده است. این رقم ۳۰.۱ درصد کل موارد ثبت شده خشونت علیه زنان در این سال را تشکیل می دهد. در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ نیز، به ترتیب ۳۰.۸ درصد و ۲۹.۳ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را خشونت های فیزیکی تشکیل می داد.

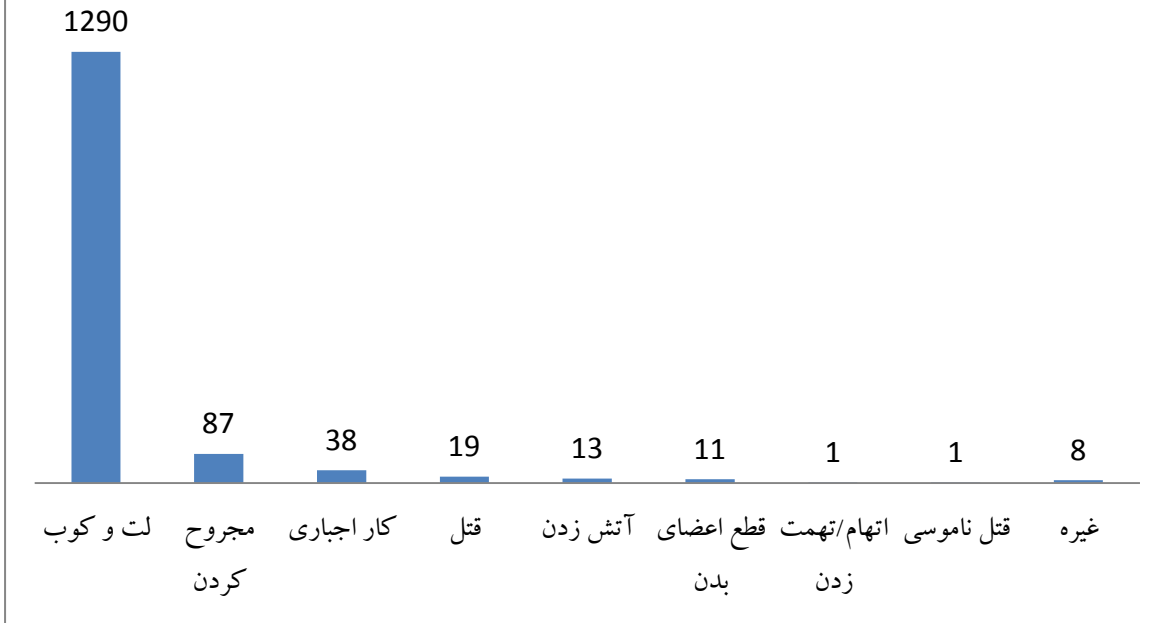
آمارهای بالا نشان می دهد که خشونت فیزیکی رایج ترین نوع خشونت علیه زنان است. با توجه به آنکه خشونت جسمی از برهنه ترین و خشن ترین انواع خشونت علیه زنان می باشد، این ارقام وضعیت اسفبار خشونت علیه زنان را در کشور نشان می دهد.

خشونت فیزیکی و جسمی به اشکال مختلف صورت می گیرد. قضایای خشونت علیه زنان نشان می دهد که در بسیاری موارد این خشونت ها بسیار شدید و سخت بر زنان اعمال می شود. آمارهای خشونت های جسمی نشان می دهد که از مجموع ۱۴۶۸ مورد خشونت جسمی و فیزیکی، بیشترین موارد آن شامل لت و کوب به اشکال مختلف می باشد که بالغ بر ۱۲۹۰ مورد است. این رقم حدود ۸۸ درصد موارد خشونت های جسمی و فیزیکی علیه زنان را شامل می شود.

بالغ بر ۸۷ مورد دیگر این قضایا مجروحیت است. ۳۸ مورد نیز کار اجباری گزارش شده و در ۱۹ مورد خشونت منجر به قتل شده است. آتش زدن مورد دیگری از خشونت های جسمی است که ۱۳ مورد را شامل می شود. در ۱۱ مورد دیگر قطع اعضای بدن قربانی صورت گرفته است. تهمت زدن و قتل ناموسی نیز یک مورد را به خود اختصاص داده است.

نمودار زیر نمایانگر انواع خشونت فیزیکی علیه زنان در سطح کشور است:

## انواع خشونت‌های فیزیکی علیه زنان / سال ۲۰۱۴



ارقام بالا نشان می‌دهد که لت و کوب زنان از انواع رایج خشونت علیه زنان در کشور است که به خودی خود بسیار تکان دهنده می‌باشد. اما موارد خشن تر و وحشیانه تر خشونت علیه زنان از قبیل قتل، مجروح کردن با استفاده از چاقو، کارت و احیاناً سلاح های گرم و حتا قطع اعضای بدن، نشان دهنده وضعیت اسفناک خشونت جسمی علیه زنان است. این خشونت های در موارد زیادی می تواند منجر به مرگ قربانی شود. آمارهای سال گذشته نیز حاکی از چنین وضعیتی بود.<sup>۱۹</sup>

### ۱.۱.۱ - قتل و قتل ناموسی:

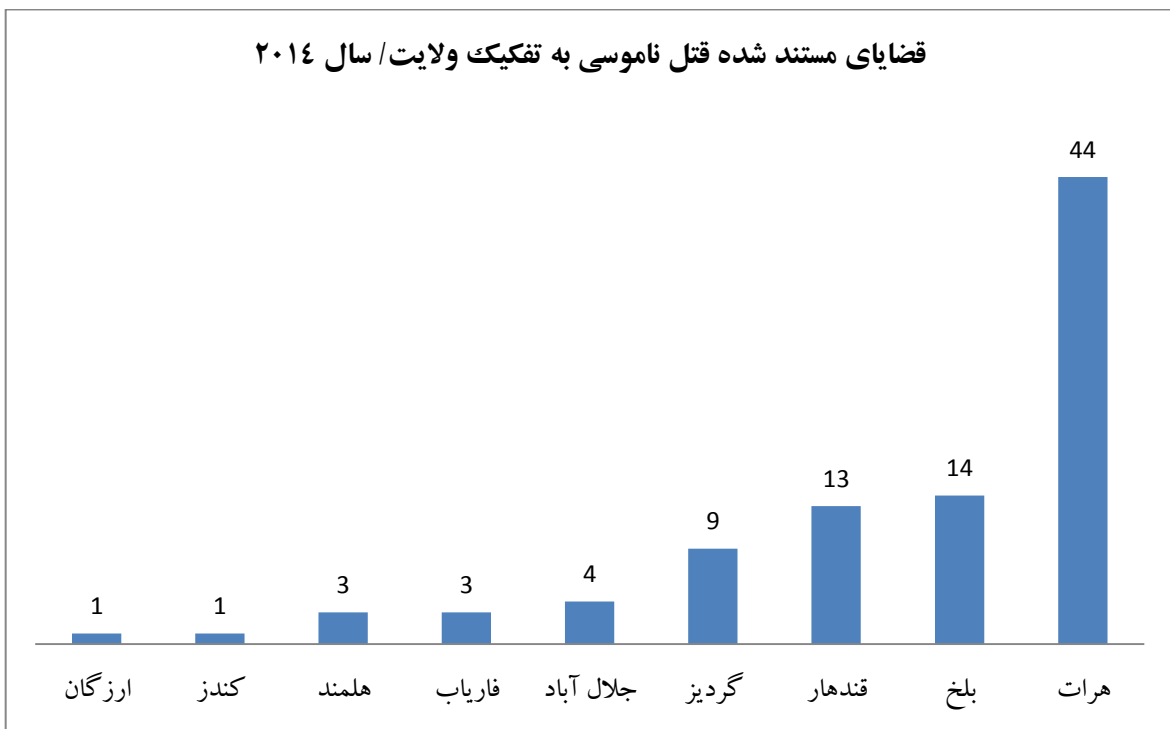
یکی از انواع تکان دهنده خشونت جسمی که منجر به قتل زنان می شود، قتل ناموسی است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جریان تحقیق ملی در مورد تجاوز جنسی و قتل ناموسی در سال گذشته دریافت که قتل زنان با توجیحات حیثیتی ناموسی یکی از موارد حادّ خشونت علیه زنان است که در اثر آن زنان قربانی

<sup>۱۹</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳)، *خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲*. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۱۹.

حیات شان را از دست می دهند. در جریان تحقیق متذکره، ۲۴۳ مورد از قضایای قتل ناموسی مستند گردیده بود که در فاصله زمانی آغاز سال ۱۳۹۰ تا پایان ثور ۱۳۹۲ اتفاق افتاده بودند.<sup>۲۰</sup>

علاوه بر قضایایی که در فرم های ثبت شکایات خشونت علیه زنان ثبت می شوند، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان موارد قتل ناموسی را نیز جمع آوری و مستندسازی می کند. کمیسیون، در سال ۲۰۱۴ در مجموع ۱۶۲ حادثه قتل زنان مستند سازی کرده است. از این میان ۹۲ قضیه قتل ناموسی بوده و ۷۰ قضیه دیگر نیز قتل غیرناموسی بوده است.

مناطق تحت پوشش دفتر ساحوی هرات کمیسیون بیشترین موارد قتل ناموسی را در سال ۲۰۱۴ شاهد بوده است. از مجموع ۹۲ قضیه قتل ناموسی، ۴۴ مورد آن به ولایت هرات اختصاص داشته است. پس از هرات، ولایات بلخ، قندهار و گردیز به ترتیب با ۱۴، ۱۳ و ۹ مورد قتل ناموسی قرار دارد. جلال آباد، فاریاب، هلمند، کندز و ارزگان موارد دیگر قتل ناموسی را شاهد بوده است. نمودار زیر این مسأله را نشان می دهد:



در جریان سال ۱۳۹۲ نیز ۱۲۰ مورد قتل ناموسی را مستند کرده بود که بیشتر آن ها در ولایات هرات، جلال آباد و گردیز اتفاق افتاده بود.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۰</sup> برای معلومات بیشتر، رجوع کنید به: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

در زیر چند نمونه از قضایای خشونت جسمی علیه زنان درج گردیده است:

### قضیه ۱:

خانمی به نام .....<sup>۲۲</sup> بنت ..... مسکونه ..... که در حدود ۳۶ سال سن دارد و متاهل می باشد و دارای یک دختر یک و نیم ساله می باشد، توسط شوهرش، که در حدود ۳۸ سال سن دارد و معتاد می باشد، به تاریخ ۲۴/۲۳-۱۱-۱۳۹۳ شب هنگام، بر اثر لت و کوبی که آثار آن در بدن زن موجود بوده، به قتل رسیده است. جسد توسط برادران مقتول به طب عدلی کابل فرستاده می شود. قاتل که شوهر مقتول است، دستگیر گردیده و فعلاً تحت نظارت قرار دارد. دوسیه به سارنوالی خشونت علیه زن فرستاده شده تا قضیه مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در قضیه دلایل ارتکاب قتل مشخص نیست.

### قضیه ۲:

خانمی به اسم ..... می گوید که مدت ۵ سال از ازدواج من با ..... ولد ..... می گذرد و در طی این مدت دائماً خسورم در زندگی ما دخالت می کرد و دخالت های او باعث می شد که شوهرم مرا مورد خشونت و لت و کوب قرار دهد. شوهرم فردی بسیار بد گمان است و من دیگر تحمل ندارم که با وی زندگی کنم و خواهان طلاق می باشم. ولی خسورم در منطقه فرد با نفوذی است و همه از او حساب می برند و کسی از من حمایت نمی کند. بنابراین، خواهان حمایت می باشم.

### قضیه ۳:

خانمی بنام ..... می گوید که در سن ۱۴ سالگی با مرد ۲۵ ساله بر خلاف میل و خواهش خودم و به اثر فشار پدرم به ازدواج اجباری داده شده بودم. وی می گوید که در این ازدواج موضوع بدل نیز مطرح است به خاطریکه پدرم مرا جبراً وادار به این ازدواج نمود و خواهر شوهرم را

---

<sup>۲۱</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳)، خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۲۰.

<sup>۲۲</sup>. نام های خاص در قضایای مندرج در این گزارش به دلیل محرمت حذف شده و به جان آن ها از «.....» استفاده شده است.



برای برادرم نکاح نمودند. چهار سال از عروسی من میگذرد ولی من یک سال با شوهرم جبرا زندگی نمودم، بعداً بر اساس بد رفتاری لت و کوب توسط شوهرم به خانه برادرم آمدم، فعلاً هم پدرم و هم شوهرم فشار می آورند که دوباره به ولایت بادغیس به خانه ام برگردم ولی من راضی نیستم به خاطریکه اگر من به آنجا بروم یا توسط پدرم که از جمله زورمندان محل است و یا توسط شوهرم به قتل میرسم. من درخواست تفریق نموده ام و میخواهم برای همیشه از شوهرم جدا شوم.

## ۲.۱- خشونت جنسی

نوع دیگر خشونت علیه زنان خشونت جنسی است که یکی از جدی ترین مشکلات زنان در سطح کشور می باشد. شمار زیادی از زنان و دختران به اشکال مختلف در معرض خشونت جنسی قرار می گیرند. یکی از عوامل مهم این مسأله نگرش جنسی نسبت به زنان است که به موجب آن، زن به عنوان وسیله ای برای رفع غرایز جنسی نگریسته می شود.<sup>۲۳</sup>

با وجود آنکه آمارهای موجود از خشونت جنسی بسیار نگران کننده است و هزارچندگاهی مواردی از این گونه قضایا در رسانه ها نیز منتشر می شود، ولی این آمارها رقم واقعی این معضل را نشان نمی دهد، زیرا مسایل جنسی در بستر سنت های جامعه افغانی، حالت تابویی دارد و پرداختن به آن ها کراهت آور قلمداد می شود. این مسأله همچنین با حیثیت و آبروی خانواده و قبیله پیوند داده می شود و در نتیجه تلاش می شود که از رسانه ای شدن آن جلوگیری شود و کتمان گردد. از این رو، موارد زیادی از خشونت های جنسی علیه زنان ثبت نمی گردد و در نتیجه مورد پی گیری قرار نمی گیرد.<sup>۲۴</sup>

عدم رسیدگی به این گونه قضایا و عدم مجازات مجرمین این گونه قضایا، عامل دیگری برای ترویج خشونت های جنسی است. خصوصاً از آن جهت که شمار زیادی از خشونت های جنسی در روابط زن و

---

<sup>۲۳</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. ص ۵۸.

<sup>۲۴</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳)، خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۲۱.

شوهر اتفاق می افتد، عدم پیگیری و رسیدگی قانونی به این گونه خشونت ها، مصونیت زنان را در برابر آن ها کاملاً از بین می برد.

علی رغم محدودیت هایی که در زمینه ثبت و ارجاع قضایای خشونت های جنسی در جامعه وجود دارد، در سال ۲۰۱۴ حدود ۴۱۲ مورد از خشونت های جنسی در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان درج گردیده است که ۸.۵ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را تشکیل می دهد. در سال ۱۳۹۲ نیز، ۴۵۳ مورد از قضایای خشونت جنسی علیه زنان به ثبت رسیده بود که نزدیک به ۷ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را در آن سال شامل می شد. این رقم در سال ۱۳۹۱، بالغ بر ۴۰۳ مورد در ارقام ثبت شده خشونت جنسی علیه زنان بود.

خشونت جنسی به شیوه های مختلف همچون تجاوز جنسی، روابط نامعمول جنسی، توهین و تحقیر و بی حرمتی جنسی، و روسپی گری اجباری، سقط جنین اجباری و غیره اتفاق می افتد.

## ۱.۱.۲- تجاوز جنسی:

تجاوز جنسی از موارد بسیار حادث و نگران کننده خشونت جنسی در افغانستان است. بسیاری از حوادث تجاوز جنسی توأم با خشونت های دیگر اتفاق می افتد که در شماری موارد منجر به مرگ قربانی می شود. یکی از حوادث بسیار تکان دهنده که در تابستان سال ۱۳۹۳ اتفاق افتاد تجاوز جنسی گروهی توسط افراد مسلح بر اعضای دو خانواده بود که شب هنگام از ولسوالی پغمان از یک مهمانی به سوی کابل می آمدند. افراد مسلح موترهای آنان را در مسیر راه توقف می دهند و سپس زیورآلات زنان را دزدیده و برچند زن تجاوز گروهی انجام می دهند. این قضیه واکنش های گسترده و تندی در افکار عامه، رسانه های اجتماعی و نهادهای مدنی ایجاد کرد. بعداً در ارتباط با این قضیه، پنج نفر اعدام گردیدند و دو نفر دیگر به بیست سال زندان محکوم شدند.<sup>۲۵</sup>

در شماری از موارد دختران یا زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند، توسط اعضای خانواده شان به قتل می رسند، زیرا زنان و دخترانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند معمولاً براساس هنجارها و معیارهای سنتی جامعه در مورد مسایل جنسی، باعث آبروریزی و شرمساری خانواده و طایفه دانسته می شود و حضور او

<sup>۲۵</sup>. شرحی مختصر از این قضیه در بخش «پیگیری و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان» در ادامه این گزارش آمده است.

را در جامعه مایه تداوم این آبروریزی و شرمساری می دانند. بنابراین، به قتل آن ها به عنوان یک راه حل برای جبران این شرمساری و احیای آبروی طایفه و خانواده نگریسته می شود.<sup>۲۶</sup>

تحقیقات نشان می دهد که در موارد زیادی نهادهای عدلی و قضایی افغانستان نیز قربانیان تجاوز جنسی را مجرم می شمارند و به مجازات محکوم می کنند و این امر در اکثر ولایات کشور وجود دارد و یک امر عادی به نظر می رسد.<sup>۲۷</sup>

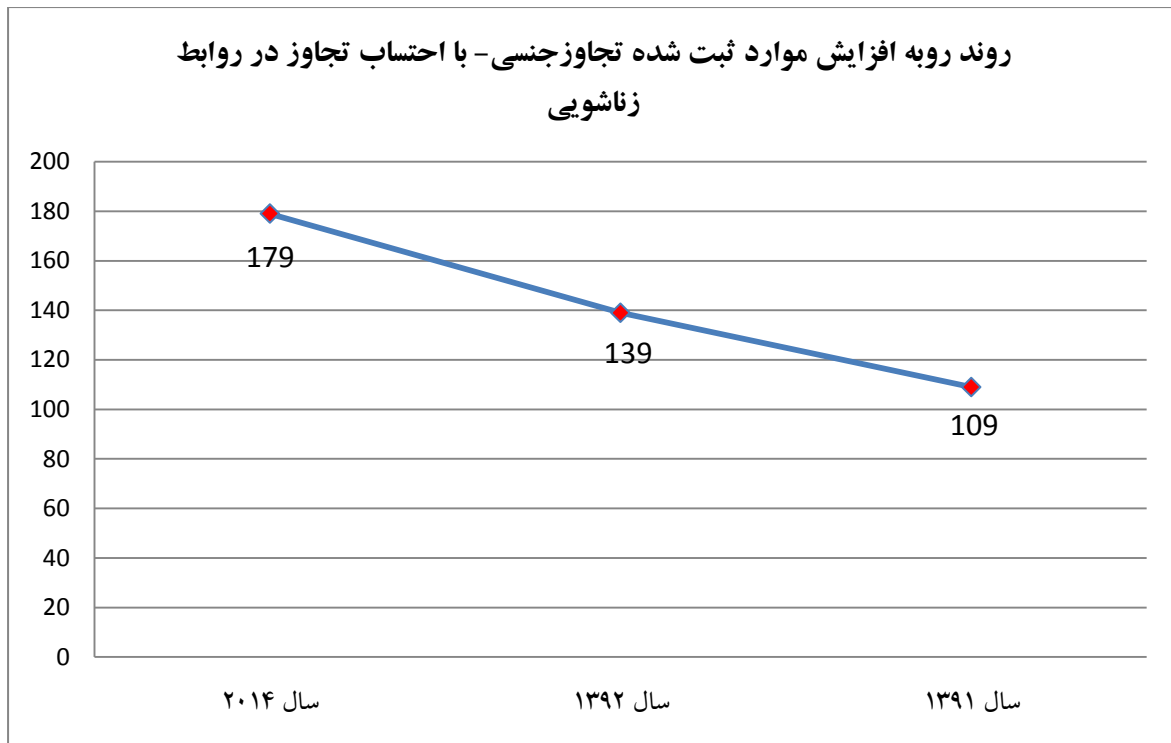
آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ حاوی ۵۴ قضیه تجاوز جنسی است که از بقیه انواع خشونت های جنسی تفکیک شده است. اگر مقاربت جنسی اجباری و اجبار به عمل لواط را نیز جزو موارد تجاوز جنسی به شمار آوریم، از مجموع موارد خشونت جنسی در سال ۲۰۱۴، ۱۷۹ مورد آن تجاوز جنسی بوده است. این رقم از مجموع قضایای خشونت جنسی بیش از ۴۳ درصد را تشکیل می دهد که رقم بسیار تکان دهنده است.

با احتساب مقاربت جنسی اجباری و اجبار به لواط، در سال ۱۳۹۲ نیز، ۱۳۹ مورد قضایای خشونت جنسی تجاوز جنسی بوده است که حدود ۳۰.۷ درصد از مجموع موارد خشونت جنسی علیه زنان را در آن سال شامل می شود. در سال ۱۳۹۱ آمار تجاوز جنسی به ۱۰۹ مورد رسیده بود که ۲۷ درصد از مجموع موارد خشونت جنسی علیه زنان را شامل می شد. مقایسه ارقام تجاوز جنسی در این سه سال نشان دهنده روند رو به افزایش قضایای ثبت شده تجاوز جنسی در دفاتر کمیسیون می باشد، چنانچه در نمودار زیر نشان داده شده است:

---

<sup>۲۶</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، *عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان*، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۳۹.

<sup>۲۷</sup>. یوناما- نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان، به نقل از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، *عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان*، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۳۹.



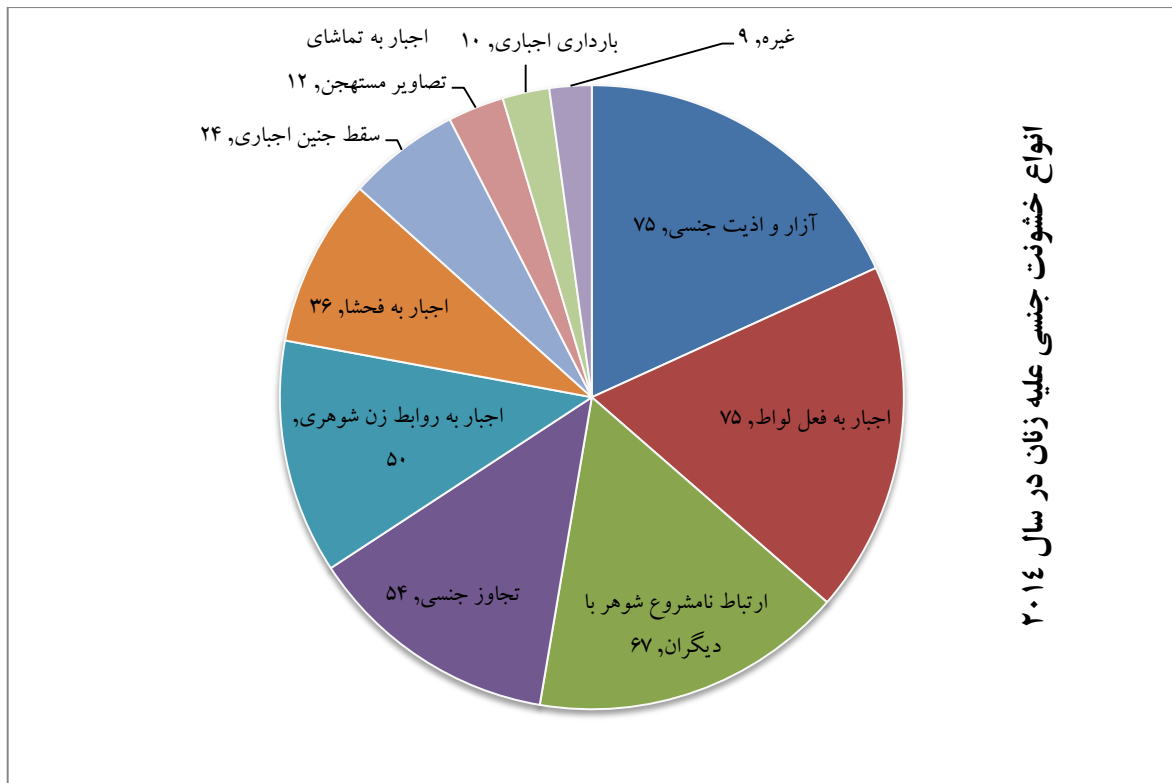
ارقام بالا، هرچند تنها شامل موارد ثبت شده تجاوز جنسی در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر است و طبعاً همه قضایای تجاوز جنسی را شامل نمی شود، با این حال، نشان دهنده وضعیت نگران کننده تجاوز جنسی در کشور می باشد که نیازمند توجه و اتخاذ تدابیر ویژه برای مقابله با آن است.

### دیگر انواع خشونت های جنسی:

از میان آمارهای خشونت جنسی در سال ۲۰۱۴، علاوه بر تجاوز جنسی، ۷۵ مورد آزار و اذیت جنسی ذکر شده است. ۳۶ مورد نیز قضایای اجبار به فحشا و روسپیگری در دفاتر کمیسیون ثبت گردیده و ارتباط نامشروع شوهر با دیگران نیز مشتمل بر ۶۷ مورد می باشد.

سقط جنین اجباری ۲۴ مورد را در آمارهای سال ۲۰۱۴ خشونت علیه زنان به خود اختصاص داده و ۱۲ مورد دیگر نیز اجبار به تماشای تصاویر و فیلم های مستهجن ذکر شده است. ۱۰ مورد نیز حاوی بارداری اجباری بوده است و ۹ مورد دیگر نیز شامل سایر شیوه های خشونت جنسی ذکر شده است.

نمودار زیر نمایانگر انواع خشونت جنسی در برابر زنان در سطح کشور است.



آمارهای بالا نشان می دهد که بسیاری از موارد خشونت های جنسی ثبت شده در سال ۲۰۱۴، همانند سال های قبل مرتبط به رابطه جنسی نامشروع است که یا به طور اجبار و به شکل تجاوز صورت می گیرد و یا از قربانی این رابطه جنسی درخواست می گردد. این رقم، نشان دهنده وضعیت ناگوار روابط زن و مرد در جامعه افغانستان است.<sup>۲۸</sup>

در زیر یک نمونه از قضایای خشونت های جنسی علیه زنان درج می گردد:

### قضیه ۱:

به تاریخ ۱۹ دلو ۱۳۹۳ گروهی پنج نفری در ولسوالی.....ولایت..... خانم بارداری را پس از لت و کوب مورد تجاوز گروهی قرار می دهند. نظر به تماس تلفونی که با فرمانده پولیس همان ولایت صورت گرفت چنین اظهار داشت: دلیل اصلی این رویداد خصومت های خانوادگی میان متجاوزین و خانواده قربانی است و نیز اظهار داشت که دو تن از عاملان این واقعه دستگیر شده و تلاش ها برای بازداشت سه نفر دیگر ادامه دارد. همچنان نظر به تماس تلفونی که با مسوول

<sup>۲۸</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳). خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۲۲.

شفاخانه ولایتی صورت گرفت، وی نیز نشانه های لت و کوب و تجاوز جنسی این خانم را تایید نموده است.

## قضیه ۲:

«حسنیه<sup>۲۹</sup> برای نگهداری اطفال خواهرش در خانه آن ها آمده است. شوهر خواهرش در ایران مهاجر می باشد. آن شب، خواهرش در خانه نبوده است. جبار شب هنگام، بعد از شکستادن دروازه داخل خانه شده و حسنیه را مورد تجاوز جنسی قرار می دهد. آثار تجاوز و زخم های دندان گرفتگی در پاهای حسنیه توسط داکتران تایید گردیده است. پلیس و سارنوالی ولسوالی مربوطه هم بر علیه متهم جزا خواهی نموده است. ولی متهم توسط محکمه شهری ولایت براءت داده شده است. محکمه بیان داشته که داکتران نگفته که جبار عمل تجاوز را انجام داده و امکان دارد کسی دیگر عامل این قضیه باشد. دختر و اقاربش اصرار دارند که جبار این عمل را انجام داده و داکتران هم نظر داده اند. بر طبق قانون اجرائات جزایی موقت، شاهد اول خود مجنی علیه است. و نیز نظر اهل خبره در زمینه موجود است و آثار تجاوز، که توام با جبر بوده و زخم های موجود در بدن دختر آن را تایید می کنند.»

## ۳.۱- خشونت زبانی و روانی:

دسته دیگر خشونت علیه زنان، خشونت زبانی و روانی است. این دسته از خشونت ها از موارد شایع خشونت علیه زنان می باشند که کمتر به عنوان خشونت مورد توجه قرار می گیرند. این نوع خشونت ها نیز پیامد منفی زیادی بر روح و روان زنان قربانی دارد. تحقیر، دشنام و تهدید از اشکال رایج این نوع خشونت ها می باشد که می تواند تاثیرات جدی را بر شخصیت و روان زنان وارد سازد و پیامد های ناگواری را بر زندگی شخصی و اجتماعی آنها به جا بگذارد که سرانجام آن ها را به انزوا و کم جرئتی، سرخوردگی، اضطراب و استرس، ناامیدی و خود حقیر بینی و حتا عقده نسبت به دیگران دچار می سازد. این حالت، آن ها را در مقابل چالش ها، محدودیت ها و سختی های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیار آسیب پذیر می سازد. مشاهدات

<sup>۲۹</sup>. نام های اشخاص در این قضیه مستعار می باشند.

نشان می دهد که خشونت لفظی و روانی متداوم حتا می تواند منتج به خودسوزی و عقده های سرکوفته در زندگی زنان شود.<sup>۳۰</sup>

خشونت لفظی و روانی در برابر زنان هم می توانند در داخل خانواده و هم در محلات عامه به شکل آزار و اذیت خیابانی به وقوع بپیوندند و زنان را در وضعیت خطرناک و دشواری قرار دهد. این خشونت ها از نگاه آزاردهنده تا سخنان رکیک و متلک پرانی و جوک های زننده نسبت به زنان در کوچه و خیابان، دشنام و تحقیر و حتا دست اندازی به اعضای بدن آنان را دربر می گیرد.

خشونت علیه زنان و از جمله آزار و اذیت های خیابانی بارها مورد اعتراض فعالان مدنی و مدافعان حقوق زنان قرار گرفته است. با این حال، اقدامی جدی در این رابطه از سوی نهادهای مسوول صورت نگرفته است. از نظر اجتماعی نیز، بنابر محدودیت های اجتماعی و نگرش جنسی نسبت به زنان، بسیاری از موارد خشونت های زبانی به صورت امر رایج درآمده و کمتر مورد توجه واقع می شوند.

در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۴۸۲ مورد خشونت های زبانی و روانی در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ثبت رسیده است. این رقم ۳۰.۴ درصد مجموع خشونت های ثبت شده در این سال را دربر می گیرد. در سال ۱۳۹۲ نیز ۱۶۷۲ مورد خشونت زبانی و روانی علیه زنان ثبت شده بود که بالغ بر ۲۵.۳ درصد از کل موارد خشونت علیه زنان در آن سال را شامل می شد. در سال ۱۳۹۱ این رقم ۱۴۲۳ مورد بود. این ارقام بیانگر میزان بالای خشونت های زبانی و روانی در افغانستان است.

موارد ثبت شده از این نوع خشونت ها نیز بسیار کمتر از مقداری است که در واقعیت به وقوع می پیوندد. اما اکثر زنان آن را بنا به دلایل مختلف تحمل می کنند و از افشای آن خود داری می نمایند. این دلایل می تواند شامل ترس از پیامدهای آن، عادی و طبیعی پنداشتن آن و یا عدم دسترسی به مراجع حمایت کننده باشد.<sup>۳۱</sup> علاوه براین، دسترسی زنان به عدالت و امکان پیگیری این گونه قضایا در مراجع قضایی و محاکم افغانستان نیز بسیار اندک است.

۳۰. همان.

۳۱. همان، ص ۲۳.

از مجموع قضایای خشونت زبانی و روانی در سال تحت پوشش این گزارش، ۸۶۸ مورد آن را دشنام، تحقیر و تحویف تشکیل می دهد که بالغ بر ۵۹ درصد کل موارد خشونت های زبانی و روانی است. این آمار بیانگر آن است که بدزبانی و تحقیر زنان امری رایج است. در سال ۱۳۹۲ نیز، ۷۰۸ مورد قضایای خشونت زبانی و روانی استهزا و تمسخر و یا سخنان تحقیرآمیز همچون فحش و دشنام به زنان بوده است.

از میان آمارهای خشونت زبانی و روانی در سال تحت پوشش این گزارش، حدود ۱۲.۳ درصد قضایا که شامل ۱۸۲ مورد می شود، حاوی تهدید به قتل بوده است. در سال ۱۳۹۲ نیز در ۲۸۶ مورد از این قضایا تهدید به قتل زنان صورت گرفته است. این ارقام بسیار تکان دهنده می باشد و وضعیت اسفناک زنان در درون خانواده ها را نشان می دهد.

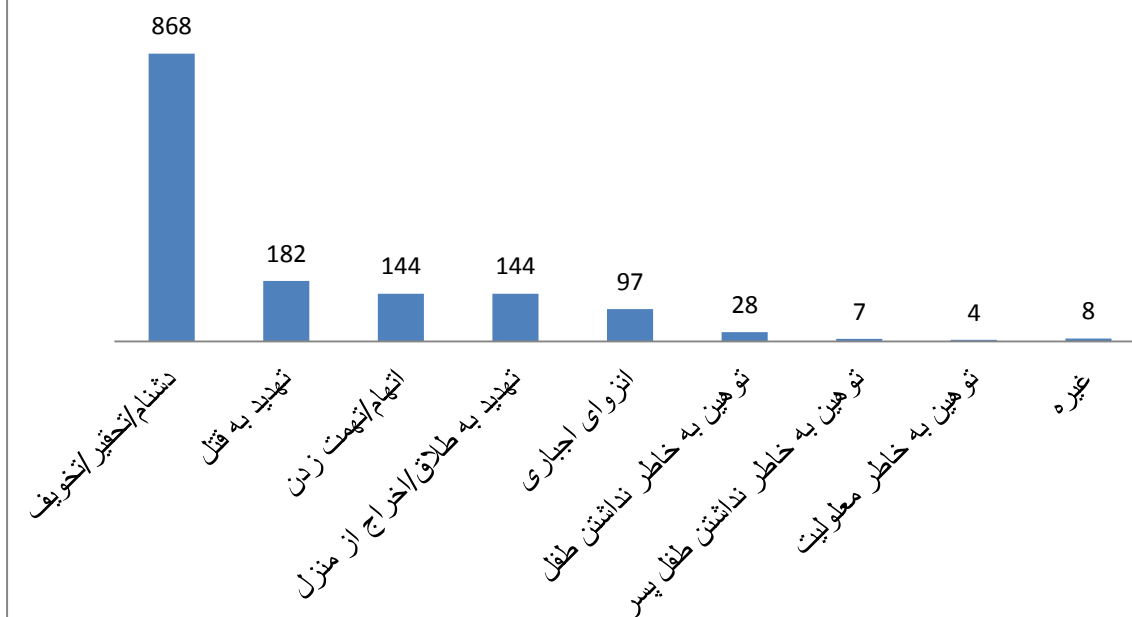
در ۱۴۴ مورد از این قضایا تهمت زدن به شخصیت و رفتار زنان صورت گرفته است. این رقم در سال ۱۳۹۲ نیز ۳۶۰ مورد را به خود اختصاص داده بود. بالغ بر ۱۴۴ مورد دیگر نیز حاکی از تهدید به طلاق یا اخراج از منزل می باشد و در ۹۷ مورد نیز انزوای اجباری صورت گرفته است.

در ۳۵ مورد دیگر نیز زنان یا به خاطر نداشتن طفل و یا به خاطر نداشتن طفل پسر، مورد توهین و تحقیر قرار گرفته است. توهین به خاطر معلولیت و موارد دیگر نیز جزو انواع خشونت زبانی و روانی علیه زنان در سال ۲۰۱۴ بوده است.

نمودار زیر نمایانگر جزئیات انواع خشونت لفظی و روانی در برابر زنان در سطح کشور است.



### انواع خشونت‌های زبانی و روانی علیه زنان / سال ۲۰۱۴



آمارهای بالا بیانگر فضای ناسالم زبانی و روانی در برابر زنان است که شرایط زندگی آرام و مسالمت آمیز را برای آن‌ها بسیار سخت می‌سازد. از آنجا که بسیاری از این قضایای خشونت علیه زنان در درون خانواده‌ها صورت می‌گیرد، بنابراین بنابراین مسایلی مثل دشنام و تحقیر، تهدید به قتل، تهمت زدن و غیره در درون خانواده‌ها نیز امری رایج و شایع می‌باشد. این مسایل بیانگر وضعیت تکان دهنده زنان در خانواده و جامعه است.

در زیر یک نمونه از قضایای خشونت زبانی و روانی درج می‌گردد:

#### قضیه:

خانمی به اسم ..... ولد ..... می‌گوید که به خاطر توهین و تحقیر و فحش و بد زبانی شوهرش دیگر قادر به ادامه زندگی با او نمی‌باشد و شوهرش معیوب و بی‌کار است. شاکی مذکور فارغ صنف ۱۴ است ولی شوهرش به او اجازه کار کردن را نمی‌دهد و قصد دارد او را به زور به جایی که خودش می‌خواهد ببرد و عارض حاضر به رفتن نمی‌باشد. وی از ترس لرزه بر اندام دارد و از کمیسیون خواهان همکاری می‌باشد.

#### ۴.۱- خشونت اقتصادی:

زنان در فرهنگ سنتی خانواده های افغانستان از لحاظ اقتصادی به مردان خانواده وابسته است و در بسیاری موارد، حتا از حق مالکیت مستقل نیز برخوردار نیستند. وابستگی اقتصادی زنان به مردان سبب شده تا آنان در محیط خانواده و به تبع آن در سطح جامعه از موقعیت نازل تر نسبت به مردان برخوردار باشند. از طرف دیگر این وضعیت سبب شده تا زنان از موقف و نقش تصمیم گیری در امور خانواده محروم شوند.<sup>۳۲</sup>

آمارهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که در جریان سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۰۲۴ مورد خشونت اقتصادی علیه زنان در دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده است. این رقم ۲۱ درصد کل موارد خشونت علیه زنان را در سال مذکور شامل می شود. در سال ۱۳۹۲ نیز به تعداد ۱۳۴۰ مورد قضایای خشونت اقتصادی در دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده بود که ۲۰.۳ درصد از مجموع موارد خشونت علیه زنان را در دوره زمانی مورد نظر تشکیل می داد.

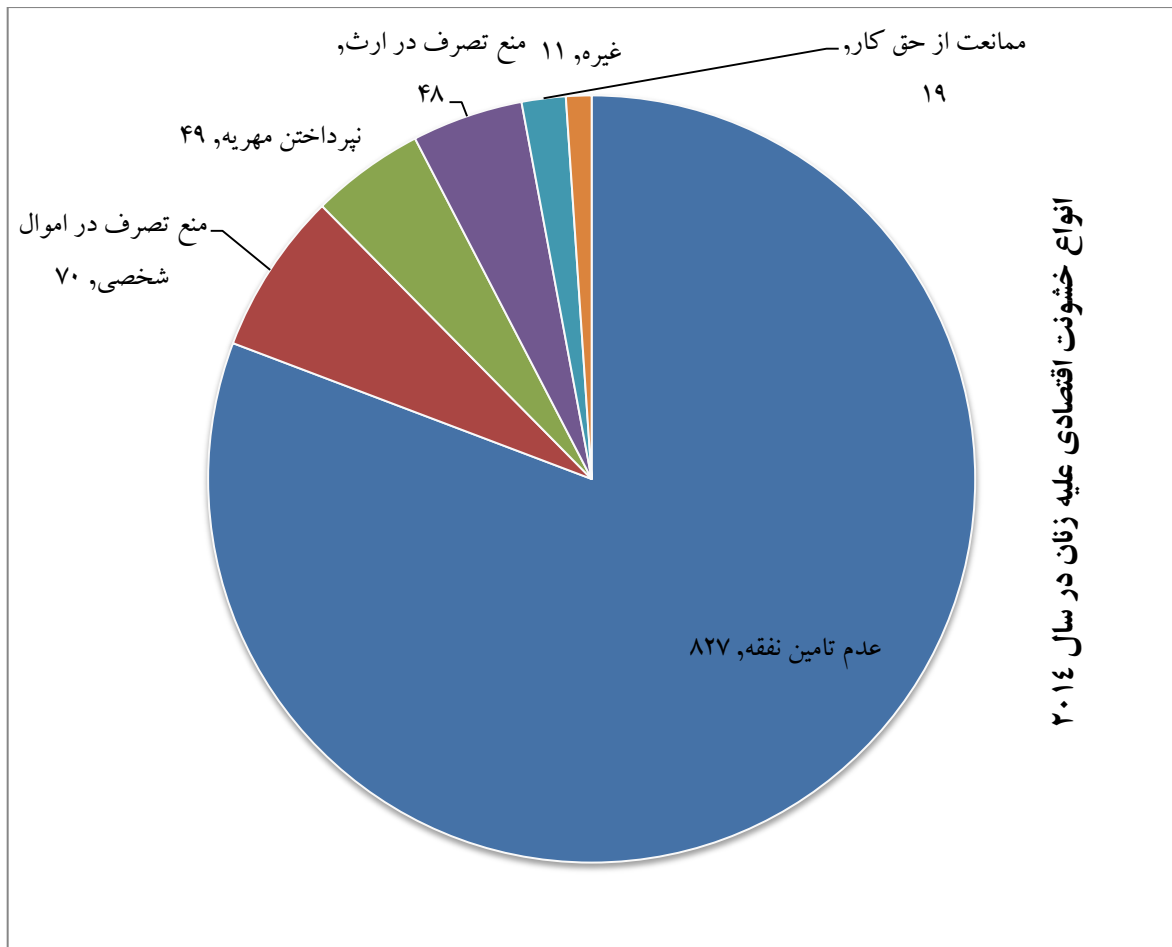
عدم تأمین نفقه در میان انواع ثبت شده خشونت اقتصادی، بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است. این رقم ۸۲۷ مورد است که نزدیک به ۸۱ درصد کل موارد خشونت های اقتصادی را دربر می گیرد. این رقم بیانگر محدودیت شدید دسترسی زنان به نفقه است و در بسا حالات، زمانی که زنان تقاضای حقوق شان را می نمایند مردان به برخورد شدید و خشونت های زبانی نیز متوسل می شوند.

در سال ۱۳۹۲ از میان کل موارد خشونت اقتصادی ۸۴۸ مورد آن محرومیت زنان از دریافت نفقه بود که بالغ بر ۶۳.۳ درصد کل موارد خشونت های اقتصادی علیه زنان در آن سال می شد. مقایسه درصدی این ارقام نشان می دهد که میزان محرومیت از نفقه در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته است.

منع تصرف در اموال شخصی (۷۰ مورد)، نپرداختن مهریه (۴۹ مورد)، منع تصرف در ارث (۴۸ مورد)، ممانعت از حق کار (۱۹ مورد) و موارد دیگر (۱۱ مورد) جزو دیگر انواع خشونت های اقتصادی است.

نمودار زیر نمایانگر جزئیات انواع موارد خشونت اقتصادی در برابر زنان در سال ۱۳۹۲ کشور است.

<sup>۳۲</sup>. همان، ص ۲۵.



در زیر چند قضیه به عنوان نمونه از خشونت های اقتصادی علیه زنان درج می گردد:

### قضیه ۱:

شاکلی می گوید که قبل از سال نو ۱۳۹۳ در پست کارمند اجتماعی موسسه حمایه اطفال امتحان دادم و کامیاب هم شدم اما یک نفر به ..... ولد ..... که در منطقه ما است و شخص با نفوذ می باشد دخالت می کند و به دروغ عریضه ترتیب داده و شصت مردم قریه را گرفته که ما با استخدام این خانم مخالف هستیم و حالا آن موسسه هم برای جلوگیری از جنجال در قریه به من گفتند که تو را در صورتی استخدام خواهیم کرد که خودت جنجال را از بین ببری و مردم را راضی نمایی و من تقاضای همکاری از کمیسیون را دارم.

### قضیه ۲:

شاکی مدعی است که شوهرش به دلیل اینکه خودش بیکار است و درآمدی ندارد از خانمش که کار می کند و معاش دارد، معاشش را مطالبه نموده است که به جای قرض خود پرداخت نماید و خانم نیز از دادن پول ابا ورزیده است سخت مورد لت و کوب قرار گرفته است طوری که آثار کبودی بر روی بدن وی موجود است و کاملاً آشکار است. داکتر شفاخانه نیز آثار لت و کوبی را تأیید کرده است.

### قضیه ۳:

شاکی چنین اظهار می دارد: ۸ سال قبل با اسامی ..... فرزند ..... باشنده ولسوالی ..... ازدواج کردم. ثمره ازدواج یک پسر ۳ ساله و یک دختر یک ماهه می باشد. از ابتدای زندگی مشترک همیشه با خشونت های خانوادگی مواجه بوده ام. اکثراً والدین شوهرم در زندگی مشترک من و شوهرم مداخله می کنند و باعث می شوند که شوهرم مرا مورد لت و کوب قرار دهد. در همین اواخر اطلاع حاصل نمودم که شوهرم با یک خانم در ولایت ..... ازدواج نموده است. حویلی را که به طور مشترک خریداری و آباد کرده بودیم، بدون اطلاع من به فروش رسانیده است. حالا با والدینم زندگی می نمایم و در وضعیت بد اقتصادی قرار دارم. بناءً جهت راهنمایی و طلب کمک برای حل مشکل خود به کمیسیون مراجعه نموده ام.

### ۵.۱- سایر موارد خشونت علیه زنان:

علاوه بر انواع یاد شده خشونت علیه زنان در بالا، شیوه های دیگر خشونت نیز وجود دارند که بر زنان اعمال می شوند. این خشونت ها، در زمینه های خاصی از زندگی فردی یا اجتماعی زنان صورت می گیرد و آنان را از حقوق بشری شان در آن زمینه ها محروم می سازند. حق کرامت، حق مصونیت شخصی، حق آموزش و پرورش، حق ازدواج و تشکیل خانواده و حق دسترسی به خدمات صحی از جمله حقوقی اند که مورد تعرض واقع می شوند و زنان در این عرصه ها با خشونت مواجه اند.

براساس آمارها و گزارش ها، تعداد زیادی از دختران و زنان به اشکال مختلف مورد هتک حرمت قرار می گیرند و کرامت شان مورد تعرض واقع می شوند. امنیت و مصونیت شان در عرصه های مختلف مورد تعرض واقع می شود و یا از حق آموزش و پرورش محروم می شوند. آزادی آنان در ازدواج و حق انتخاب همسر نقض می شود و یا در سنین خوردسالی به ازدواج داده می شوند و یا با شیوه های ناپسندی مثل بد و بدل وادار به ازدواج می گردند.

تحقیقات کمیسیون نشان داده که امروزه یکی از عوامل مهم فرار از منزل، قتل های ناموسی و افزایش آمار طلاق، ازدواج های ناخواسته و زود هنگام بوده که بیشتر در سنین کودکی صورت گرفته است. جرگه ها و شوراهای قومی در بقا و تداوم این ناهنجاری ها نقش کلیدی دارد که اغلبا تحت سیطره مردان قرار دارد و زنان در تصمیم گیری های این جرگه ها نقشی ندارند، این استیلا و همچنین عدم نظارت صحیح دولت بر این برنامه ها و جلوگیری از فیصله های غیر قانونی آن ها زمینه تضييع هر چه بیشتر حقوق زنان و کودکان را در سطح کشور فراهم می نماید.<sup>۳۳</sup>

براساس داده های بانک اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، علاوه بر دسته های قبلی خشونت علیه زنان، حدود ۴۸۷ قضیه دیگر نیز در دفاتر کمیسیون ثبت شده اند که مشتمل بر اشکال دیگر خشونت علیه زنان می باشند. این موارد شامل ممانعت از انتخاب همسر، نامزدی اجباری، چند همسری شوهر، ممانعت از دیدو بازدید اقارب، ممانعت از حق تعلیم و تحصیل، محرومیت از دسترسی به خدمات صحی، خرید و فروش زنان به بهانه ازدواج، نفی قرابت، بد دادن، ممانعت از فعالیت های سیاسی و مدنی و غیره می باشد.

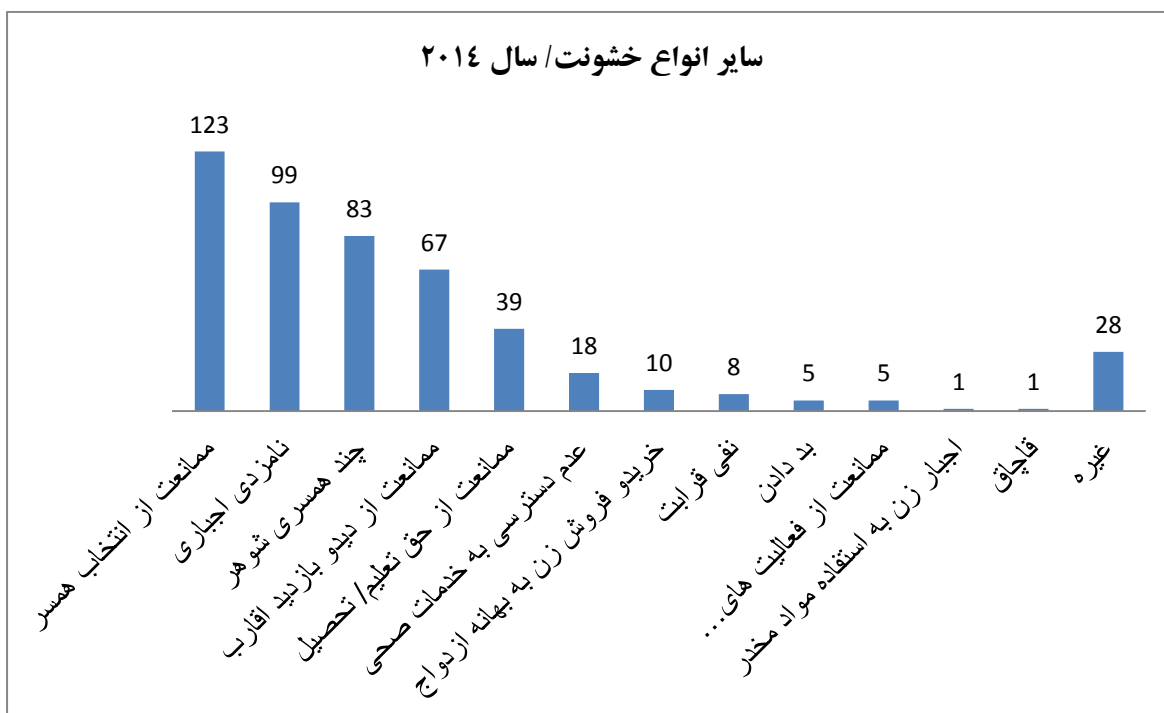
در داده های سال ۲۰۱۴ خشونت علیه زنان، از مجموع ۴۸۷ مورد مذکور، ۱۲۳ مورد ممانعت از انتخاب همسر، ۹۹ مورد نامزدی اجباری، ۸۳ مورد چند همسری شوهر، ۳۹ مورد ممانعت از حق تعلیم و تحصیل، ۱۸ مورد عدم دسترسی به خدمات صحی، ۱۰ مورد خرید و فروش زنان به بهانه ازدواج، ۸ مورد نفی قرابت، ۵ مورد بد دادن، ۵ مورد ممانعت از فعالیت های مدنی و سیاسی، یک مورد اجبار به استفاده از مواد مخدر و یک مورد نیز قاچاق ذکر شده است. ۲۸ مورد دیگر نیز دیگر موارد خشونت علیه زنان بوده اند که به صورت دقیق مشخص نشده اند.

۳۳. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳). خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۲۷.

در سال ۱۳۹۲ نیز، ۲۶۵ مورد اخراج از منزل، ۱۴۳ مورد گرفتن طویانه های گزاف، ۱۱۲ مورد ازدواج اجباری، ۴۷ مورد نامزدی اجباری، ۱۱۶ مورد سلب حق انتخاب همسر، ۸۱ مورد ازدواج قبل از وقت، ۶۱ مورد آن ممانعت از حق تعلیم/تحصیل، ۴۸ مورد طلاق اجباری، ۴۰ مورد ممانعت از ترک نمودن خانه، ۳۹ مورد دیگر بدل نمودن، ۱۰ مورد نیز بد دادن، ۲۶ مورد شکایت از تعدد زوجات شوهر، ۲۳ مورد ممانعت از دیدار اقارب، ۶ مورد خرید و فروش زن به بهانه ازدواج، ۷ مورد محدودیت دسترسی به خدمات صحتی و ۶ مورد نیز ممانعت از مشارکت در فعالیت های سیاسی و مدنی ذکر شده بود.

ارقام بالا بیانگر میزان نگران کننده ای ازدواج های زودهنگام و اجباری، طلاق های اجباری، بدل و بد، اخراج از منزل، سلب حق انتخاب همسر، ممانعت از حق تعلیم و غیره می باشد.

نمودار زیر شرح جزئیات این موارد خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ می باشد:



قضایای زیر نمونه هایی از این گونه خشونت ها علیه زنان می باشد:

### قضیه ۱:

شاکی اظهار می دارد که چهار سال قبل ازدواج نموده است و شوهرش فعلاً به حیث استاد در یکی از پوهنتون های شخصی در شهر کابل ایفای وظیفه می نماید. یکنیم سال بعد از شروع زندگی

مشترک رابطه شوهرش با وی تغییر کرده و گاهی از طرف شوهرش مورد خشونت و لت و کوب قرار گرفته است. قرار گفته های وی، شوهرش خانم دیگر نیز داشته و مدت دو سال در کشور پاکستان با شوهر و خانم شوهرش زندگی نموده است. شاکی بیان می دارد، که ثمره ازدواجش یک دختر سه ساله بوده ولی شوهرش این طفل را در هشت ماهگی از مادر جدا ساخته و چندین مرتبه این طفل را به بهانه اینکه با مادرش نزدیک شده است مورد لت و کوب قرار داده است. به اساس اظهارات شاکی، شوهرش وی را اکثراً درازوا قرار داده و نفقه برایش پرداخت نمی کند و همچنان مانع تماس تلفنی اش با والدین و اقارب نزدیک وی می گردد. قربانی بی سرنوشت است و از کمیسیون خواهان همکاری است.

## قضیه ۲:

مسمات زرمینه و عبدالرحیم همدیگر را دوست می داشته اند. در اوایل پدر و برادرش محمود به ازدواج شان رضایت داشته اند. عبدالرحیم می گوید که مستری است و محمود علاوه بر اینکه در جریان کار روز مره از من پول می گرفت، برابر ۱۲ جریب زمین و ۴۰۰۰۰ افغانی پول نقد ام را گرفت و همیشه وعده اش این بود که خواهرم را برایت می دهم. اخیراً تصمیم داشتند که زرمینه را به کسی دیگر نامزد نمایند. خود زرمینه ساعت ۳ بجه مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۰۹ مرا باخود برد. قوماندانی و سارنوالی اعزام کرد و نظریه داکتر را گرفتند که کدام جرم صورت نگرفته باشد. بکارت دختر ثابت می باشد. الیوم ما را به توقیف خانه ولایت اعزام کرده اند. مکتوب ۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۳ سارنوالی وجود دارد. چون ازدواج یک حق قانونی می باشد، اصولاً باید به محکمه اعزام می شد که این عمل انجام نشده است. امید ما را همکاری نمایید.

## قضیه ۳:

شاکی می گوید که من دختری هستم ۱۸ ساله که پسری را بنام ..... ولد ..... دوست دارم. ولی پدرم قصد دارد مرا مجبور نماید تا با شخص دیگری ازدواج نمایم که به او هیچ علاقه ای ندارم. به خاطر همین از خانه به قصد ازدواج فرار نمودم و به دفتر شورای علمای ولایت رفتم. آنها مرا به کمیسیون حقوق بشر همین ولایت معرفی نمودند تا مشکل من از این طریق حل گردد.

## ۲. عواقب و پیامدهای خشونت علیه زنان:

خشونت علیه زنان، پیامدهای ناگوار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را بالای زندگی زنان افغانستان به همراه دارد. این خشونت‌ها، بر صحت، حرمت و شأن اجتماعی، وضعیت زندگی و رفاه زنان تأثیرات سوء به جا می‌گذارد و مانع انکشاف و رشد آنان شده و باعث انزوای آنان می‌گردد.<sup>۳۴</sup> بسیاری از زنانی که قربانی خشونت بوده‌اند آینده زندگی‌شان تحت تأثیر این خشونت‌ها قرار گرفته و از لحاظ روانی به شدت آسیب پذیر می‌شوند. بسیاری از خشونت‌ها پیامدهای ناگوار جسمی دارند و یا جایگاه و نقش اجتماعی زنان را آسیب می‌زنند.

زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌شوند. قتل ناموسی توسط اعضای خانواده و وابستگان به خاطر پیوند دادن این مسأله را حرمت و حیثیت خانوادگی، یکی از پیامدهای ناگوار تجاوز جنسی برای زنان است. تحقیق ملی ای که کمیسیون در جریان سال ۱۳۹۱ در مورد تجاوز جنسی و قتل ناموسی انجام داد، نشان داد که در ۳۸ درصد موارد، قتل ناموسی زنان و دختران بعد از آن اتفاق افتاده که این زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بوده‌اند.<sup>۳۵</sup>

علاوه بر این، تجاوز جنسی نه تنها باعث جراحات مستقیم جسمی بلکه موجب آسیب‌های روانی از قبیل افسردگی، خطر مبتلا شدن به ایدز و بارداری ناخواسته نیز می‌شود. همچنین خشونت‌های جنسی نقض‌کننده کرامت انسانی زنان است و بر شأن و حرمت آنان تأثیرات ناگواری به جا می‌گذارد و حتا فرصت‌های زندگی آزادانه و جایگاه اجتماعی را از آنان سلب می‌کند. از این رو، زنانی که صدای‌شان را در مورد تجاوز جنسی بلند نمایند به خطرات و تهدید‌هایی همچون لکه بدنامی، ترک شدن از سوی شوهر، محرومیت از حقوق اجتماعی و اقتصادی مواجه شده و در معرض تخطی‌های بیشتر حقوق بشری و وخامت صحتی قرار می‌گیرند. این مسأله فرایند دسترسی زنان به عدالت را نیز بسیار محدود می‌سازد.<sup>۳۶</sup>

---

<sup>۳۴</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳). *خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲*. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۳۰.

<sup>۳۵</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲). *عوامل و زمینه‌های تجاوز جنسی و قتل ناموسی در افغانستان*. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۳۹.

<sup>۳۶</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳). *خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲*. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۲۲.



داده های بانک اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۴، نشان می دهد که در ۳۵.۳ درصد موارد این خشونت ها منجر به آسیب ها و مشکلات روانی برای قربانیان شده است. این رقم بیانگر آسیب های بالای روانی خشونت علیه زنان است.

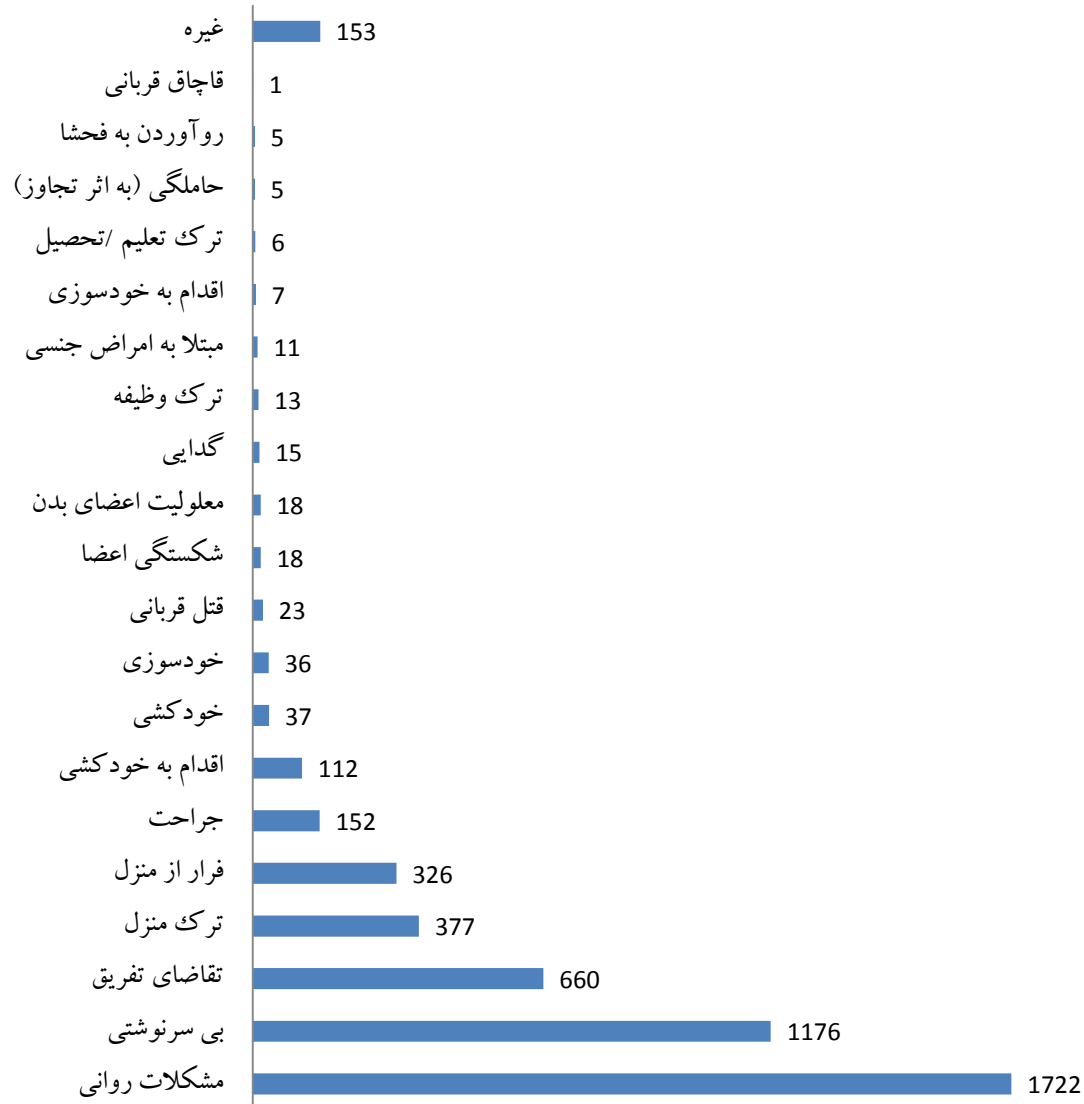
خشونت علیه زنان شالوده خانواده را از هم می پاشد. براساس آمارهای کمیسیون، بی سرنوشتی، تقاضای تفریق، ترک منزل و فرار از منزل هرکدام به ترتیب ۲۴.۱ درصد، ۱۳.۵ درصد، ۷.۷ درصد و ۶.۷ درصد از پیامدهای خشونت علیه زنان را تشکیل می دهد. در سال ۱۳۹۲ نیز، تقاضای تفریق، فرار از منزل، بی سرنوشتی و تفریق نیز به ترتیب پیامدهای ۱۶.۷، ۸.۴، ۵.۹ و ۳.۲ درصد موارد خشونت علیه زنان بوده است. این ارقام به روشنی نشان می دهد که نظام خانواده و زندگی خانوادگی با اعمال خشونت بر زنان از هم می پاشد و منجر به فروپاشی خانواده می گردد.

جراحی، اقدام به خودکشی، خودکشی، خودسوزی، قتل، شکستگی اعضا، معلولیت اعضای بدن، گدایی، ترک وظیفه، مبتلا شدن به امراض جنسی، اقدام به خودسوزی، ترک تعلیم و تحصیل، حاملگی (به اثر تجاوز)، رو آوردن به فحشا و غیره نیز جزو پیامدهای خشونت علیه زنان قلمداد شده است.

در ۹۶ مورد این خشونت ها، قضایا منجر به قتل، خودکشی یا خودسوزی قربانی شده است. در سال ۱۳۹۲ نیز ۱۰۳ مورد از این قضایا، منجر به مرگ، قتل یا خودکشی قربانی شده بود.

نمودار و جدول زیر جزئیات پیامدهای خشونت علیه زنان را براساس آمارهای سال ۲۰۱۴ نشان می دهد:

### عواقب خشونت علیه زنان / سال ۲۰۱۴



شماره	پیامدهای خشونت علیه زنان	فراوانی	درصد
۱	مشکلات روانی	۱۷۲۲	۳۵.۳٪
۲	بی سرنوشتی	۱۱۷۶	۲۴.۱٪
۳	تقاضای تفریق	۶۶۰	۱۳.۵٪

۷.۷٪	۳۷۷	ترک منزل	۴
۶.۷٪	۳۲۶	فرار از منزل	۵
۳.۱٪	۱۵۲	جراحت	۶
۲.۳٪	۱۱۲	اقدام به خودکشی	۷
۰.۸٪	۳۷	خودکشی	۸
۰.۷٪	۳۶	خودسوزی	۹
۰.۵٪	۲۳	قتل قربانی	۱۰
۰.۴٪	۱۸	شکستگی اعضا	۱۱
۰.۴٪	۱۸	معلولیت اعضای بدن	۱۲
۰.۳٪	۱۵	گدایی	۱۳
۰.۳٪	۱۳	ترک وظیفه	۱۴
۰.۲٪	۱۱	مبتلا به امراض جنسی	۱۵
۰.۱٪	۷	اقدام به خودسوزی	۱۶
۰.۱٪	۶	ترک تعلیم/تحصیل	۱۷
۰.۱٪	۵	حاملگی (به اثر تجاوز)	۱۸
۰.۱٪	۵	رو آوردن به فحشا	۱۹
۰.۰٪	۱	قاچاق قربانی	۲۰
۳.۱٪	۱۵۳	غیره	۲۱
۱۰۰.۰٪	۴۸۷۳	مجموع	

قضیه زیر به عنوان نمونه آورده شده است:

### قضیه:

خانمی به اسم سحر گل با شخصی به نام خالقداد ده سال قبل ازدواج نموده است فقط دو سال با شوهرش زندگی کرده بعدا بر اساس بدرفتاری و خشونت های مکرر مجبور شده به خانه پدرش آمده و مدت ۸ سال است که با فامیل پدرش زندگی می کند. وی درخواست تفریق نموده ولی قضیه اش در محکمه فیصله نشده بود. بنابراین خواهان کمک در مورد رسده گی به دوسیه نسبتی اش از دفتر ولایتی غور شده بود. با رئیس محکمه ابتدایی در مورد تاخیر در مورد فیصله دوسیه مذکور در وقت معینه قانونی صحبت شد. این قضیه که بیش از مدت معین قانونی در محکمه شهری مانده بود در اثر تلاش های دفتر ولایتی غور تاریخ ۲۹/۹/۱۳۹۳ فیصله شد و خانم از شوهرش تفریق گردید.

### ۳. جغرافیای خشونت علیه زنان:

خشونت علیه زنان از معضلات جدی حقوق بشر در تمام مناطق افغانستان است، هرچند ممکن است در بعضی مناطق حادثتر و شدیدتر باشد. مسایلی همچون میزان آگاهی های عمومی از حقوق بشر و حقوق زنان، میزان حاکمیت قانون و دسترسی نهادهای عدلی و قضایی، میزان دسترسی زنان به مراجع عدلی و قضایی و شفافیت در ارگان های پولیس و عدلی و قضایی و البته سنت ها و هنجارهای جامعه و نگرش سنتی رایج نسبت به زنان همگی در این زمینه نقش دارند.

یافته های این گزارش براساس قضایای ثبت شده توسط شاکیان خشونت علیه زنان در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به دست آمده است. روشن است که میزان ارجاع و ثبت این قضایا نیز در همه مناطق کشور به صورت یکسان نیست. در مستند سازی قضایای خشونت علیه زنان بر اساس تقسیمات جغرافیائی

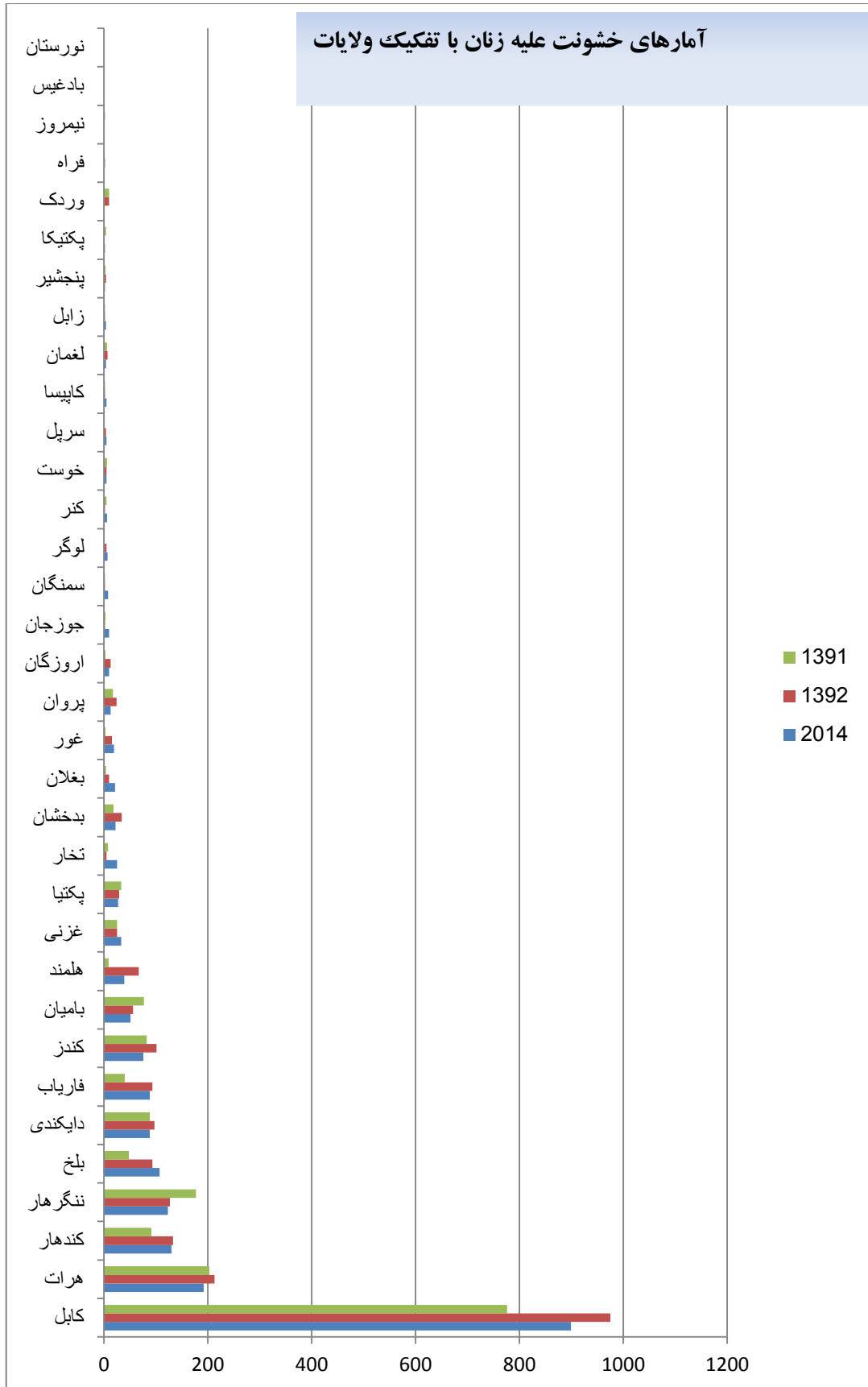
چندین عامل نقش دارد. میزان دسترسی زنان به نهادهای حمایت کننده و ارگان های عدلی و قضایی، عرف و الگوهای فراگیر اجتماعی که فراروی زنان قرار دارد، امنیت و آگاهی زنان از حقوق شان. از این رو، آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در ولایات امن، مراکز شهرها و مناطقی که دسترسی به مراجع حمایت کننده آسان تر است، بیشتر می باشد و در ولایات ناامن، یا مناطق روستی و در میان قبایل، هرچند خشونت ها ممکن است بیشتر باشد، ولی موارد کمتری از این قضایا به مراجع مختلف ارجاع داده شده و ثبت می گردند. بنابراین، این آمارها نمی تواند بیانگر وضعیت دقیق خشونت علیه زنان در ولایات باشد و فقط توصیفی کلی از وضعیت خشونت علیه زنان را در سطح کشور ارائه می کند.<sup>۳۷</sup>

به همین خاطر بیشترین مقدار آمارها و اطلاعات ثبت شده از قضایای خشونت علیه زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر مربوط ولایات کابل، هرات، کندهار، ننگرهار، بلخ، دایکندی، فاریاب و کندز می باشد. نمودار و جدول زیر جزئیات این مسأله را در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سال های خورشیدی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ نشان می دهد.

---

<sup>۳۷</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳)، *خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲*. نشر کمیسیون مستقل حقوق

## آمارهای خشونت علیه زنان با تفکیک ولایات



#### ۴. محل وقوع خشونت علیه زنان:

هرچند خشونت علیه زنان معضلی است که ریشه در فرهنگ و سنت های جامعه دارد و در سطح جامعه رایج است. اما خشونت علیه زنان در درون خانواده ها نیز بسیار مروج است. از آنجا که خشونت های خانوادگی مصونیت زنان را در حصار خانه های شان نیز از بین می برد، معمولاً بیشتر مورد توجه است. از این رو، بسیاری از قضایایی که توسط شاکیان در دفاتر کمیسیون ثبت شده اند، نیز خشونت های خانوادگی اند.

بدینسان، داده ها و اطلاعات ثبت شده در دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به وضوح نشان می دهد که خشونت های خانوادگی از رایج ترین و عام ترین انواع خشونت علیه زنان است. از مجموع آمارهای سال ۲۰۱۴ از مجموع ۴۸۷۳ مورد، ۴۷۶۶ مورد (یعنی حدود ۹۷.۸ درصد) در محیط خانه ها اتفاق افتاده است. در سال ۱۳۹۲ نیز، حدود ۹۸ درصد موارد را خشونت هایی تشکیل می داد که در داخل خانه اتفاق افتاده بود.

از میان بقیه موارد، ۳۸ مورد در سرک یا کوچه، ۲۴ مورد در محل کار یا اداره و شفاخانه، ۳ مورد در مرکز آموزشی، مکتب یا دانشگاه، ۸ مورد در توقیف گاه یا محبس اتفاق افتاده است. ۳۴ مورد دیگر نیز مشخص نشده است.

جدول زیر محل وقوع خشونت علیه زنان را در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ خورشیدی نشان می دهد:

محل وقوع خشونت علیه زنان / سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲						محل خشونت
تعداد						
۱۳۹۱		۱۳۹۲		۲۰۱۴		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۹۸.۳۵٪	۵۶۰۷	۹۸.۰۲٪	۶۴۸۰	٪۹۷.۸۰	۴۷۶۶	خانه
۰.۲۵٪	۱۴	۰.۵۷٪	۳۸	٪۰.۷۸	۳۸	سرک / کوچه





نکته مهم دیگر این است که برخلاف تصور عمومی، مرتکبین عمده خشونت‌ها معمولاً وابستگان نزدیک و اعضای خانواده قربانی می‌باشند. آمارهای بالا نشان می‌دهد که بخش بزرگی از خشونت‌ها در درون خانواده‌ها اتفاق می‌افتد. یعنی عامل خشونت‌ها وابستگان نزدیک و اعضای خانواده قربانیان خشونت می‌باشند. تحقیقات کمیسیون نشان می‌دهد که شوهر عامل بیشترین موارد خشونت‌های خانوادگی علیه زنان است. در آمارهای سال ۱۳۹۲، عامل بیشتر از ۷۰ درصد خشونت‌ها شوهر بوده که در محیط خانواده صورت گرفته است. پس از آن پدر در ۷.۷ درصد موارد، برادر شوهر در ۳.۵ درصد موارد، نامزد در ۲.۴ درصد موارد، برادر در ۱.۸ درصد موارد، خواهر شوهر در ۱.۵ درصد موارد و اولاد در ۱.۲ درصد موارد عامل خشونت علیه زنان معرفی شده است. در سال ۱۳۹۱ نیز شوهر عامل اصلی خشونت علیه زنان معرفی شده بود که حدود ۶۷.۵ درصد موارد خشونت علیه زنان را به خود اختصاص داده بود. در آمارهای سال ۱۳۹۱ نیز پدر عامل ۵.۴ درصد، برادر شوهر عامل ۳.۹ درصد و نامزد عامل ۳.۳ درصد خشونت علیه زنان معرفی شده بود.<sup>۳۹</sup>

آمارهای بالا نشان می‌دهد که محیط خانواده که اصولاً باید محیط مصوون و راحت باشد، برای زنان مصوونیت ندارد و آن‌ها را با خشونت‌های گوناگون مواجه می‌سازد. این داده‌ها بیانگر طبیعی و عادی دانستن خشونت علیه زنان می‌باشد. این مسأله همچنین نشان دهنده اوج بی‌پناهی و آسیب‌پذیری بالای زنان در جامعه افغانستان است.

محیط ناسالم و نامصوون خانواده برای زنان، نه تنها مشکل عمده برای زنان است، بلکه وجود خشونت در خانواده‌ها، محیط سالم تربیتی را از اطفال خانواده نیز می‌گیرد و فضای دوستانه و محبت‌آمیز را از خانواده سلب می‌کند و سرانجام منجر به فروپاشی نظام خانواده و روابط سالم انسانی در جامعه می‌گردد.<sup>۴۰</sup>

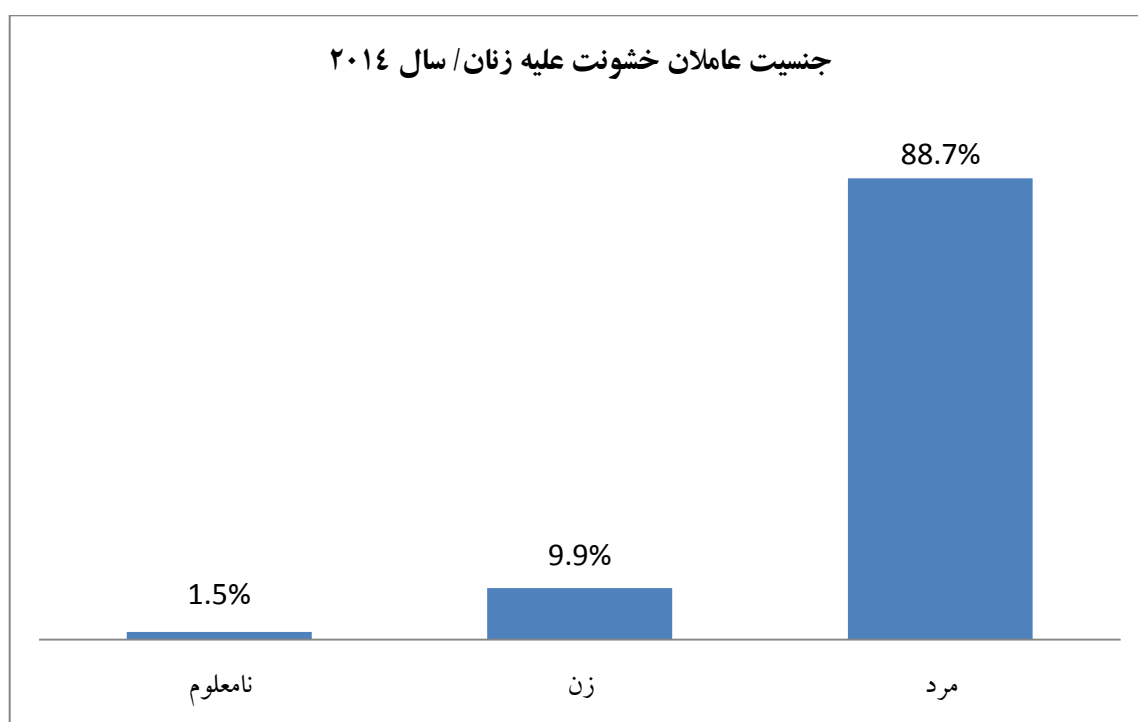
## ۱.۵- جنسیت عاملان خشونت علیه زنان:

۳۹. همان، ص.....

۴۰. همان.

براساس اطلاعاتی که در بالا درج شد، بیشترین موارد خشونت علیه زنان توسط مردان اتفاق می افتد. اما زنان نیز در موارد زیادی بر همجنسان خود خشونت روا می دارند. خشونت زنان علیه زنان بیانگر ریشه دارد بودن این معضل در فرهنگ و سنت های جامعه می باشد.

داده های کمیسیون در سال ۲۰۱۴ نشان می دهد که عامل حدود ۸۸.۷ درصد خشونت ها علیه زنان مرد بوده اند. در ۹.۹ درصد موارد نیز عامل خشونت های زن معرفی شده و در ۱.۵ درصد نیز جنسیت عامل نامشخص است. نمودار زیر این مسأله را نشان می دهد:

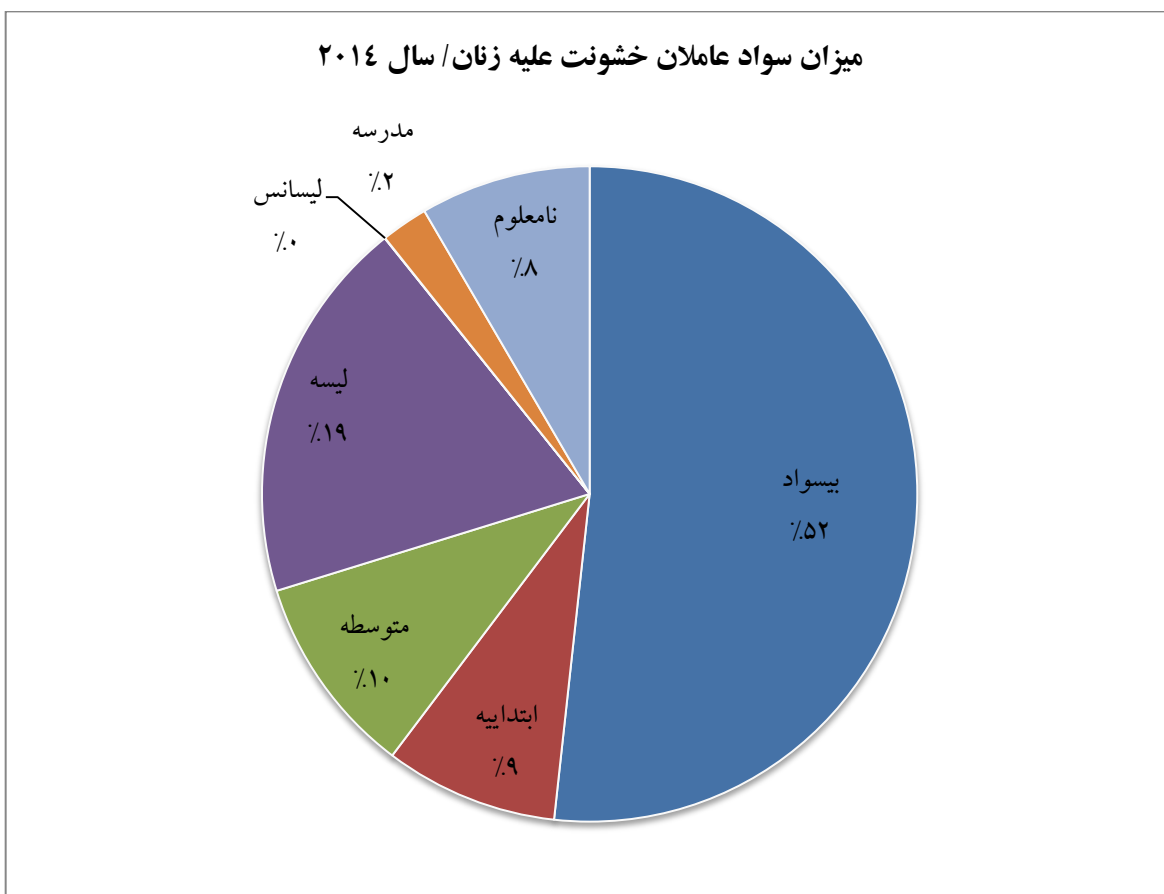


## ۲.۵- میزان سواد عاملان خشونت علیه زنان:

معمولاً از بی سوادى به عنوان یکی از عوامل وقوع خشونت علیه زنان یاد می شود. اما روشن است که این مسأله نقش تام در وقوع خشونت ندارد. ممکن است کسی بی سواد باشد، ولی دست به خشونت علیه زنان نزند و دید انسانی و مشفقانه نسبت به آنان داشته باشد. برعکس، ممکن است فردی از سواد نیز برخوردار باشد و در عین حال، مرتکب خشونت علیه زنان نیز شود.

با این حال، از نقش بی سوادی به عنوان یکی از عوامل موثر در شیوع خشونت نمی توان چشم پوشید. تحقیقات نشان می دهد که خشونت علیه زنان در میان افراد بی سواد یا کم سواد بیشتر اتفاق می افتد. داده های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۴ نیز این مسأله را تأیید می کند. چنانچه حدود ۵۲ درصد از موارد خشونت علیه زنان در سال مورد نظر توسط افراد بی سواد اتفاق افتاده است. بنابراین، می توان بی سوادی را به عنوان یکی از عوامل موثر در شیوع خشونت علیه زنان دانست.

این داده ها نشان می دهد که افرادی که از سواد نسبی برخوردار اند نیز در ارتکاب خشونت علیه زنان نقش داشته اند. براساس این داده ها، ۱۹ درصد از مرتکبان خشونت علیه زنان از سواد ابتدایی و متوسط برخوردار بوده اند، در حالیکه به همین مقدار تا سطح لیسه درس خوانده اند. نمودار زیر نشان دهنده این مسأله است:



بنابراین، گسترش سواد و آگاهی نسبت به حقوق و کرامت انسانی زنان را می توان به عنوان یکی از راه های موثر برای رفع خشونت علیه زنان مطرح کرد. طبعاً هر قدر سطح سواد و میزان آگاهی در یک جامعه بیشتر باشد، میزان خشونت علیه زنان نیز در آن کمتر خواهد بود.

### ۳.۵- اعتیاد عاملان خشونت علیه زنان:

از اعتیاد به مواد مخدر می توان به عنوان یکی از مسایلی که زمینه را برای وقوع خشونت علیه زنان بیشتر مساعد می سازد یاد کرد. اعتیاد می تواند هم به خودی خود به عنوان یکی از عوامل خشونت مطرح شود، و هم به خاطر مسایل جنبی خود از قبیل فقر و نیازمندی شدید فرد معتاد منجر به وقوع خشونت شود.

اعتیاد یکی از معضلات جدی دامنگیر کشور است. براساس آمارها، حدود یک و نیم میلیون نفر در کشور معتاد اند. کشت و قاچاق گسترده مواد مخدر در افغانستان و فقدان برنامه های موثر از سوی دولت در زمینه مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر و تداوی معتادین از عوامل مهم گسترش اعتیاد در کشور می باشد.

داده های سال ۲۰۱۴ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در زمینه خشونت علیه زنان نشان می دهد که عاملان بیش از ۲۱ درصد مجموع قضایای خشونت علیه زنان معتاد بوده اند. حدود ۵۷ درصد آنان اعتیاد نداشته اند و اعتیاد نزدیک به ۲۲ درصد آنان نیز معلوم نیست.

از آنجا که جامعه آماری افراد معتاد نسبت به افراد غیر معتاد بسیار اندک است، نقش ۲۱ درصدی افراد معتاد در خشونت علیه زنان بسیار چشمگیر است. از این رو، می توان از اعتیاد به عنوان یکی از عوامل خشونت علیه زنان یاد کرد. بنابراین گسترش اعتیاد می تواند به گسترش خشونت علیه زنان نیز منجر شود.

### ۴.۵- مشکلات روانی عاملان خشونت:

مشکلات روانی نیز می تواند به عنوان یکی از عوامل موثر بر وقوع خشونت مطرح باشد. افرادی که به مشکلات روانی دچار اند، معمولاً زودتر دست به خشونت می برند و از تحمل و حوصله کمتری برخوردار اند. براساس داده های کمیسیون در سال ۲۰۱۴، حدود ۱۳.۷ درصد کسانی که مرتکب خشونت شده اند، به مشکلات روانی دچار بوده اند. با این حال، ۵۷.۱ درصد مرتکبان مشکل روانی نداشته اند. پس کسانی که مرتکب خشونت علیه زنان می شوند، الزاماً به خاطر مشکلات روانی نیست.

وضعیت روانی حدود ۲۹.۲ درصد عاملان خشونت علیه زنان در این داده ها معلوم نیست.

## ۶. عوامل خشونت علیه زنان:

خشونت علیه زنان، ناشی از عوامل متعددی است. برخی از این عوامل ریشه در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد و شماری دیگر ناشی از ناهنجاری های حقوقی و ضعف حاکمیت قانون و فساد در دستگاه عدلی و قضایی کشور است. براساس آنچه که در تحقیق کمیسیون در رابطه با عوامل و زمینه های تجاوز جنسی و قتل ناموسی آمده است، مهم ترین عوامل خشونت علیه زنان را می توان به صورت زیر لیست کرد:

- عدم برخورد قاطعانه با مجرمین و تداوم فرهنگ معافیت از مجازات؛
- فساد اداری و سوء استفاده از موقف وظیفه یی؛
- دخالت افراد متنفذ در امر رسیدگی به قضایا و حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان توسط مراجع غیررسمی؛
- کتمان جرایم و عدم مراجعه قربانیان به مراجع عدلی و قضائی به دلیل ترس و بی اعتمادی نسبت به ارگان های دولتی؛
- عدم هماهنگی لازم و مناسب بین ارگان های عدلی و قضایی (خصوصا پولیس، سارنوالی و محاکم)؛
- دسترسی محدود زنان به عدالت (محاکم، سارنوالی های منع خشونت، توقیف خانه های زنانه و وکلای مدافع)؛
- وجود اسلحه غیرقانونی نزد افراد و گروه های مسلح غیر مسئول؛
- نبود امنیت و ضعف حاکمیت دولت در ولسوالی ها و ولایات؛
- عدم حمایت لازم از قربانیان خشونت علیه زنان؛
- نگرش منفی نسبت به زنان در سنت های مردسالار جامعه؛
- تجویز خشونت علیه زنان در نگرش منفی نسبت به زنان و الگوهای خشونت پرور رفتاری با زنان؛
- نگرش غالب جنسی نسبت به زنان؛
- کتمان وقایع تجاوز جنسی و قتل ناموسی به دلیل حساسیت های سنتی؛
- عادی شدن خشونت علیه زنان؛
- بی سوادی و سطح پایین آگاهی های عمومی؛
- الگوهای سنتی ازدواج در جامعه افغانستان؛
- فقر و بی کاری؛

## ۷. رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان:

میزان رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان محدود بوده است و چنانچه در بالا اشاره شد، یکی از عوامل خشونت علیه زنان نیز عدم رسیدگی به این قضایا دانسته شده است. تطبیق قانون محو خشونت علیه زنان می تواند موثرترین راه برای مبارزه با خشونت علیه زنان باشد.

قانون محو خشونت علیه زنان در سال ۱۳۸۸ براساس فرمان رییس جمهور لازم الاجرا شد و می توان آن را مهم ترین دستاورد افغانستان در عرصه مبارزه با خشونت علیه زنان دانست. این قانون در سال ۱۳۹۲ برای تصویب به پارلمان رفت. اما بنابر اختلافاتی که بر سر بعضی از موادهای آن وجود داشت از دستور کار پارلمان خارج شد. بعد از آن قرار شد که موارد اختلافی این قانون توسط یک کمیته مورد بازنگری قرار بگیرد و دوباره به پارلمان فرستاده شود تا مورد تصویب واقع شود. اما تا هنوز این کمیته موارد اصلاحی این قانون را به پارلمان نفرستاده است. با این حال، این قانون براساس حکم تقنینی رییس جمهور در موارد قضایای خشونت علیه زنان لازم الاجرا است.<sup>۴۲</sup>

براساس معلومات کتبی که توسط لوی سارنوالی افغانستان به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ارسال گردیده است، «سارنوالی مبارزه با خشونت علیه زنان از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا تاریخ ۸ دلو این سال، در حدود ۹۶۵ قضیه داشته که ۵۷ قضیه بعد از طی مراحل محاکماتی کاملاً نهایی گردیده است. ۱۸۶ قضیه به محکمه ابتداییه ولایت کابل محول گردیده، ۲۵ قضیه به محکمه استیناف تعقیب و ۱۵۵ قضیه به خاطر عدم مراجعه مدعی برای پیشبرد دعوی، به مدیریت اداری این اداره نگهداری گردیده است. ۱۳۴ قضیه به نسبت انصراف متضرر(زن) مطابق فقرة ۲ ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زنان حفظ گردیده است. ۱۷۰ قضیه نیز تحت کار

<sup>۴۱</sup>. رجوع کنید به: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۲)، عوامل و زمینه های تجاوزجنسی و قتل ناموسی در افغانستان.

نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. فصل ششم، عوام و زمینه های خشونت علیه زنان. صص ۴۵-۷۰.

<sup>۴۲</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر

افغانستان، ص ۳۶.

کمیته های تحقیق قرار داشته و متباقی قضایا به نسبت عدم صلاحیت رسیدگی به مراجع ذریبط ارسال گردیده است.<sup>۴۳</sup>

لوی سارنوالی در مکتوب خود نگاشته است که «مجرمین قضایایی که به محاکم تعقیب گردیده است با تفکیک جرایم شان از ۶۰۰۰۰ افغانی جریمه نقدی تا بیست سال حبس تنفیذی و اشد مجازات (اعدم) محکوم به جزا گردیده اند.» اما گزارش لوی سارنوالی توضیح نمی دهد که چند نفر به خاطر ارتکاب خشونت علیه زنان به مجازات محکوم شده اند و نوعیت مجازات با ذکر تعداد نیز در گزارش لوی سارنوالی نیامده است.

دادگاه عالی (استره محکمه) افغانستان نیز ضمن معلومات کتبی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می نگارد: «به ملاحظه گزارش هایی که از آغاز سال ۱۳۹۳ تا ختم ربع سوم این سال از محاکم مرکز و ولایات به دسترس قرار گرفته است، مجموعاً ۸۰۵ قضیه تحت عنوان خشونت علیه زنان مورد رسیدگی و اصدار حکم قرار گرفته که از جمله رقم فوق ۲۵۹ قضیه آن تحت عنوان تجاوز جنسی و ۵۴۶ قضیه دیگر تحت عنوان خشونت علیه زن گزارش داده شده است.»<sup>۴۴</sup>

مکتوب استره محکمه افغانستان بیشتر از این حاوی اطلاعات دیگر نیست و لذا مشخص نیست که چند قضیه خشونت علیه زنان در ادارات مربوط به این ارگان ارجاع داده شده، این قضایا مربوط کدام ولایات است، چند نفر به جرم ارتکاب خشونت علیه زنان به مجازات محکوم شده اند و چه نوع مجازاتی برای آنان تعیین شده است.

---

<sup>۴۳</sup>. لوی سارنوالی جمهوری اسلامی افغانستان، معلومات کتبی به ضمیمه مکتوب شماره ۱۵۰۲/۶۹۰ به تاریخ ۲۰ دلو ۱۳۹۳ در پاسخ مکتوب رسمی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، به شماره صادره ۱۶۴۳. قید وارده کمیسیون به شماره ۱۷۱۸ به تاریخ ۲۲ دلو ۱۳۹۳ در منابع بشری کمیسیون.

<sup>۴۴</sup>. استره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، معلومات کتبی طی مکتوب شماره ۹۵۰/۲۸۱ به تاریخ ۴ دلو ۱۳۹۳ در پاسخ مکتوب شماره ۱۵۴۹ مورخ ۲۴ جدی ۱۳۹۳ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. قید وارد کمیسیون به شماره ۱۶۰۷ به تاریخ ۴ دلو ۱۳۹۳ در منابع بشری کمیسیون.

محاكم افغانستان در سال ۱۳۹۲ به تعداد ۴۲۹ قضیه خشونت علیه زنان را مورد رسیدگی قضایی قرار داده بود که ۱۱۶ قضیه از این میان، مربوط قضایای تجاوز جنسی بر زنان بود. بقیه موارد، مربوط قضایای لت و کوب، آزار و اذیت، تهدید، خرید و فروش، نکاح اجباری، مجروح ساختن و قتل بود.<sup>۴۵</sup>

### قضیه:

در تاریخ ۳۱ اسد سال ۱۳۹۳، شب هنگام وقتی اعضای دو خانواده وقتی از یک جشن عروسی از ولسوالی پغمان به سوی شهر کابل می آمدند، در منطقه ده عربان این ولسوالی توسط افراد مسلح توقف داده شدند. این افراد مسلح پول نقد و زیور آلات آن ها را دزدیدند و سپس بر چهار زن از اعضای این خانواده ها به صورت گروهی تجاوز کردند. بنابر گزارش ها آن ها ده نفر بودند. این قضیه واکنش ها و حساسیت های گسترده ای را در میان مردم، رسانه های اجتماعی و فعالان مدنی در کابل و دیگر مناطق کشور به دنبال داشت. هفت تن این گروه در سه نوبت در تاریخ های ۴، ۸ و ۱۰ سنبله گرفتار شدند و در طی روند محاکمه سریع، پنج تن آنان به اتهام غارت مسلحانه، اختطاف و تجاوز گروهی به اعدام، و دو تن دیگر آنان نیز به ۲۰ سال حبس محکوم شدند. حکم اعدام این پنج تن محکوم به اعدام، پس از توشیح رییس جمهور در تاریخ ۵ میزان، در ۱۶ میزان اجرا شد.

### ۱.۷- وضعیت حقوقی قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان:

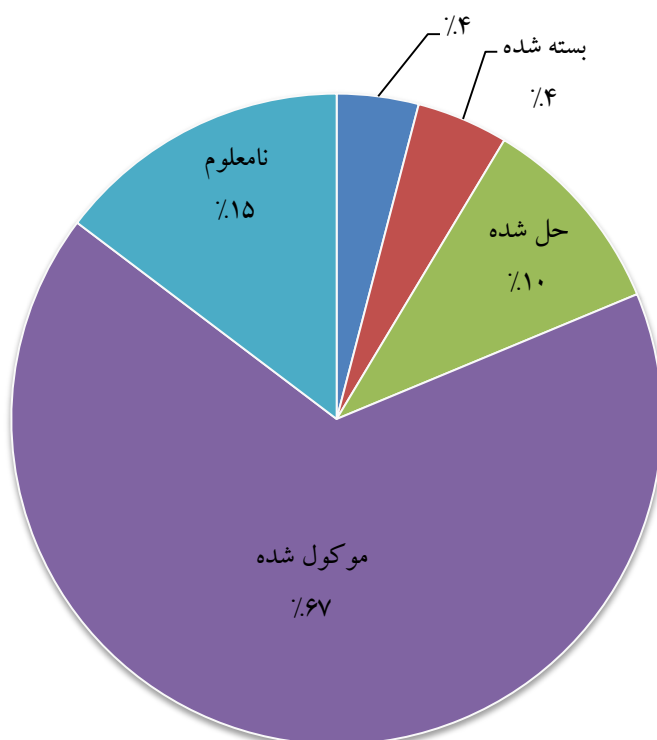
از مجموع قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۴، حدود ۶۷ درصد آن ها موکول شده است. ۱۰ درصد این قضایا حل شده، پرونده ۴ درصد بسته شده و ۴ درصد دیگر نیز انتقال یافته است. وضعیت ۱۵ درصد دیگر نیز نامعلوم است.

نمودار زیر این مسأله را نشان می دهد:

<sup>۴۵</sup>. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳). خشونت علیه زنان در افغانستان در سال ۱۳۹۲. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۳۷.



انتقال یافته وضعیت حقوقی قضایای خشونت علیه زنان / سال ۲۰۱۴



## بخش سوم

### جمع بندی و پیشنهادها

#### ۱. جمع بندی:

این گزارش براساس آمارهای ثبت شده خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴، تصویر کلی از وضعیت حقوق بشر در کشور ارائه می کند. آمار ثبت شده خشونت علیه زنان در طول سال ۲۰۱۴ مشتمل بر ۴۸۷۳ مورد بوده است که از حدود ۲۰۲۶ قضیه که توسط شاکیان خشونت علیه زنان به دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده به دست آمده است. در سال ۱۳۹۲ این رقم به ۶۶۱۱ مورد رسیده بود.

هرچند مجموع آمارهای خشونت علیه زنان در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال ۱۳۹۲ خورشیدی رقم کمتری را نشان می دهد، ولی این نمی تواند به معنای بهبود وضعیت حقوق زنان در کشور باشد. دلیل این کاهش در تغییر ساختار فرم های ثبت خشونت علیه زنان در دفاتر کمیسیون می باشد. زیرا در فرم های جدید بسیاری از انواع خشونت با همدیگر ادغام شده اند و در نتیجه تعداد این خشونت ها کمتر شده اند.

با این حال، رقم بالا نیز بیانگر وضعیت اسفبار خشونت علیه زنان در کشور است. خصوصاً وقتی دقت کنیم که بیش از ۳۰ درصد این خشونت های خشونت جسمی و خصوصاً لت و کوب است، این وضعیت ناگوار قابل درک تر می شود. چنانچه در این گزارش نشان داده شد، بسیاری از خشونت های اشکال بسیار خشن می گیرد که پیامدهای ناگوار برای قربانیان دارد و گاه حتماً منجر به قتل آنان می شود.

از وحشیانه ترین موارد خشونت علیه زنان تجاوز جنسی و قتل ناموسی است. چنانچه در این گزارش ذکر شده است، در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۷۹ مورد تجاوز جنسی و ۹۲ مورد قتل ناموسی در دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده است.

باآنکه محیط جامعه، از قبیل بازار، کوچه و سرک و حتا محیط کار برای زنان بسیار ناامن است، اما نکته تکان دهنده تر در این گزارش این است که رقم بسیار بالایی از این خشونت ها، یعنی بیش از ۹۸ درصد از

مجموع قضایای خشونت علیه زنان، توسط اعضای خانواده زنان و در درون خانه ها صورت می گیرد. آمارهای سال گذشته نیز همین وضعیت را نشان می دهد.

این آمارها، به معنای آن است که زنان در محیط خانواده نیز مصونیت خود را در برابر خشونت از دست می دهد. در حالیکه اصولاً محیط خانواده باید امن ترین و مصون ترین محیط برای آنان باشد. این مسأله بیانگر طبیعی و عادی دانستن خشونت علیه زنان در جامعه سنتی افغانستان می باشد.

نتایج این گزارش نیازمند توجه جدی مراجع مسوول به مسأله خشونت علیه زنان است و مبارزه با آن طرح برنامه های دقیق و جدی مبارزه با خشونت در درون خانواده ها را می طلبد. بنابراین، دولت افغانستان باید در چارچوب تعهدات حقوقی و قانونی خود، که هم در اسناد بین المللی حقوق بشر تصریح شده و هم در قوانین داخلی آمده است، اقدامات موثر و عملی را در جهت بهبود وضعیت حقوق زنان بردارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با در نظر داشت مشکلات موجود در عرصه حقوق زنان، موارد زیر را جهت بهبود وضعیت زندگی زنان به دولت افغانستان پیشنهاد می نماید.

## ۲. پیشنهادها:

- بلند بردن سطح دانش و افکار عامه نسبت به حقوق و امتیازات اجتماعی و فردی شهروندان به خصوص جایگاه و موقعیت حقوقی زنان در روابط خانوادگی و اجتماعی، بوسیله تدوین و اجرای برنامه های گسترده و دوامدار آموزشی توسط وزارت های معارف، تحصیلات عالی، حج و اوقاف، عدلیه، امور زنان و سایر وزارت های سکتوری؛
- ایجاد فرصت ها و زمینه های کار درآمد زا برای زنان به هدف تأمین زمینه های استقلال مالی و از بین بردن وابستگی های شدید مالی زنان نسبت به مردان خانواده؛
- ایجاد فرصت های اداری برای زنان در سطوح بالای ادارات و نهادهای ملی و خصوصی و سهم ساختن آنان در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های کلان ملی، به هدف تأمین ضمانت های دایمی حمایت از نقش زنان در زندگی اجتماعی؛
- ایجاد راهکارهای مؤثر برای مبارزه با حاکمیت عرف و عنعنات خرافی که حقوق بشری زنان را متضرر ساخته و تداوم فرهنگ مردسالاری را حمایت می کند؛

- طرح و تطبیق یک برنامه موثر برای تداوی اشخاص معتاد به مواد مخدر، و مبارزه با اعتیاد به عنوان یکی از عوامل موثر در افزایش خشونت علیه زنان؛
- تأمین ظرفیت‌های سالم، متعهد و متخصص در سیستم عدلی و قضایی کشور به هدف از بین بردن فرهنگ معافیت و مبارزه جدی علیه کسانی که تداوم فرهنگ معافیت را حمایت می‌کنند؛
- گسترش سارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت و ازدیاد پرسونل این سارنوالی در تمام ولایات و جبری ساختن ثبت ازدواج و استفاده از نکاح نامه؛
- تصویب قانون منع خشونت علیه زن و ایجاد زمینه‌های عملی برای تطبیق این قانون؛
- تعدیل و بازنگری بعضی از ماده‌های قوانین نافذ کشور که با ارزش‌های حقوق بشر و مخصوصاً حقوق زنان در تعارض قرار دارد؛
- جرم‌انگاری بعضی از مصادیق خشونت مانند قتل ناموسی و تجاوز جنسی، در قوانین نافذ کشور مخصوصاً قانون منع خشونت و قانون جزا؛
- بلند بردن میزان آگاهی و دانش مسلکی پولیس و نیروهای امنیتی در زمینه آموزش معیارها و حقوق بشر جهت تقویت روحیه مسولیت‌پذیری و احترام به حقوق بشر؛
- امضا و تصویب پروتکل پالمو در زمینه مبارزه با قاچاق انسان، به منظور مبارزه با قاچاق انسان و به خصوص قاچاق زنان و بهره‌برداری‌های جنسی از زنان؛
- ایجاد سهولت‌هایی برای دسترسی زنان به مراجع عدلی و قضایی در سطح مرکز و ولایات به منظور برخورداری زنان قربانی خشونت از حمایت‌های قانونی؛